

مفهوم شناسی و تهدیدات ناسیونالیسم از منظر آیت الله خامنه‌ای

مهدی فیضی سخا^۱

چکیده

ناسیونالیسم به مثابه یکی از ایدئولوژی‌های تأثیرگذار در قرن نوزده و بیستم، از سوی متفکران مختلف مورد بازبینی و ارزیابی قرار گرفته است و عموماً گرایش افراطی این ایدئولوژی نیز مورد انتقاد جامعه جهانی و اندیشمندان قرار گرفته است. در این میان، رهبر انقلاب اسلامی در بیانات و پیام‌های خویش نسبت به این گرایش قومی و میهنی در جوامع اسلامی اشاراتی داشته‌اند که به صورت عمده، آسیب شناسی و ارائه راهبردهای برون رفت از آسیب‌های ملی‌گرایی افراطی بوده است. از این رو، مقاله حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و مطالعات اسنادی به این سؤال پاسخ دهد؛ ناسیونالیسم از منظر آیت الله خامنه‌ای دارای چه بار معنایی است و گرایش ملی‌گرایی افراطی چه تهدیداتی برای جهان اسلام دارد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که تیپولوژی ناسیونالیسم در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، شامل دو بخش ناسیونالیسم مثبت و ناسیونالیسم منفی می‌باشد که وجوه افراطی این ایدئولوژی، تأکید بر اشتراکات قومی، زبانی، خونی و... می‌باشد که به دور از احساسات دینی و معنویت گرایی است. برخی از تهدیدات ناسیونالیسم برای جهان اسلام عبارت از؛ دور کردن ملت‌ها از یکدیگر، تشدید اختلافات قومی و فرقه‌ای در جهان اسلام، تضعیف استحکام ساختار قدرت کشورهای اسلامی، اضمحلال هویت اسلامی و دینی، تضعیف معنویت در جوامع اسلامی و غیره می‌باشد که بی‌توجهی حاکمان اسلامی نسبت به آنها، می‌تواند جهان اسلام را با مضللات عدیده‌ای مواجه سازد.

کلید واژه‌ها: ناسیونالیسم، جهان اسلام، آیت الله خامنه‌ای، اختلافات قومی، هویت اسلامی، معنویت گرایی، میهن پرستی.

مقدمه

بحث درباره ناسیونالیسم و بررسی اوصاف و مراتب آن، گرچه مربوط به عصر جدید و آثار و نتایج آن است، ولی مدت‌ها است که مورد توجه افراد و جماعت‌های گوناگون قرار گرفته است و هر یک به شیوه خود به کاوش آن پرداخته و بسته به نوع نگاه یا شیوه تعاملی که با آن داشته‌اند، به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند که در بیشتر موارد، صرفاً تعدد رهیافت یا تکثر سطحی و بی‌بنیاد مطالب و رویکردها نیست، بلکه به مراتب، دارای غنا و فربهی خاصی بوده و در پاره‌ای نمونه‌های آن به صورت منظومه‌های فکری و سیاسی نیز درآمده است. این مباحث که از همان سرآغازهای ظهور این ایده شروع شده است تاکنون نیز با جدیت و اهتمام شایان توجهی ادامه یافته است. اگرچه در هر برهه‌ای، بسته به اوضاع و احوال حاکم، این جستارها، شکل و شمایل یا سمت و سوی خاصی داشته‌اند، در کل به نوعی، جریان اندیشه‌ورزی و تحقق دادن به مقتضیات و لوازم ملی‌گرایی را سامان داده و دست کم آن را پیگیری کرده است؛ به گونه‌ای که امروزه می‌توان این گونه تلاش‌های انجام گرفته اعم از: فکری، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی را با عنوان تاریخ و فرهنگ ناسیونالیسم دسته‌بندی کرد و به مثابه یک مکتب، آن را در کنار یا دست کم در ذیل مکاتب و مرام‌های فکری و فلسفی جدید مورد توجه قرار داد (ویسی، ۱۳۸۳: ۲۵۰). در عین حال، بسیاری از صاحب نظران به این باور هستند که قومیت، قوم‌گرایی و ناسیونالیسم از موضوعات حساس کشورها در عصر حاضر محسوب می‌گردد. طی نیم قرن اخیر تنش‌های قومی به موازات افزایش ظرفیت‌های اطلاعاتی دنیای مدرن فزونی یافته و مسائل جدیدی را به وجود آورده‌اند (طالبی و عیوضی، ۱۳۹۲: ۱۳۱). انقلاب اسلامی ایران، نقطه آغازی در تحولات سال‌های پایانی قرن بیستم به‌شمار می‌آید که مکاتب مختلف سیاسی از جمله لیبرالیسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم و ... را به چالش کشیده است (علویان و دوست محمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

آیت الله خامنه‌ای، یکی از متفکران جهان اسلام است که همواره نسبت به آثار سوء ناسیونالیسم قومی و فرقه‌ای هشدار داده‌اند و تلاش داشتند تا هوشیاری و آگاهی امت اسلامی در خصوص پدیده ناسیونالیسم را افزایش دهند. به همین منظور، در این مقاله سعی می‌شود تا دیدگاه‌های ایشان در خصوص معنا و مفهوم، تهدیدات و راهبردهای برون رفت از خطر ناسیونالیسم را بررسی نمائیم. لاجرم، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و مطالعات اسنادی خواهان پاسخ به این سؤال هستیم؛ ناسیونالیسم از منظر آیت الله خامنه‌ای دارای چه بار معنایی است و گرایش‌های ملی‌گرایی افراطی چه تهدیداتی برای جهان اسلام دارد؟ بعد از اینکه در بخش اول، مفهوم و برداشت‌های رایج از ناسیونالیسم را بررسی و نظر اسلام در خصوص ملی‌گرایی را تشریح نمودیم، در بخش دوم، دیدگاه آیت الله خامنه‌ای را در خصوص معرفی دقیق ملی‌گرایی افراطی را مطرح می‌نمائیم و در همین راستا، ضمن آسیب شناسی دقیق در کلام ایشان بر پایه مضامین فراگیر استخراج شده در مجموعه بیانات ایشان، راهبردهایی هم در انتهای مقاله ارائه می‌گردد.

چارچوب مفهومی؛ ناسیونالیسم

معنا و مفهوم

«دیوید مک گراون» اعتقاد دارد شاید در سال‌های اخیر کمتر پدیده‌ی سیاسی به اندازه‌ی ناسیونالیسم توجه همگان را به خود جلب کرده است و در همان حال از کمتر پدیده‌ای بدین اندازه چشم پوشی شده است. تا اواسط قرن بیستم در ادبیات علوم سیاسی و علوم اجتماعی ناسیونالیسم به زباله‌دان تاریخ پیوسته و دوران ناسیونالیسم به سر آمده بود. ناسیونالیسم در قرن نوزدهم وارد قالب دولت‌های نو شد و در قرن بیستم در ناقص‌ترین نمود خود به صورت فاشیسم ظاهر شد. به نظر می‌رسید که هدف نهایی آن از میان برداشتن امپراطوری‌ها باشد (گراون، ۱۳۸۴: ۲۲۹). اما در زمان حاضر، ناسیونالیسم در زمره مقولاتی است که وارد عرصه‌های انضمامی و ذهنی ساخت‌های اجتماعی و سیاسی شده است؛ به گونه‌ای هر نوع تعریف ما از ناسیونالیسم و هر نوع نگرش ما به آن مستقیماً در فرایند ملت سازی تأثیر می‌گذارد. اگر این تعریف از نوع جوهرگرا و فرهنگی باشد، به بسته و محدود شدن مفاهیم ذهنی و انضمامی معطوف به ملت و فرایند ملت سازی منجر می‌گردد؛ و برعکس، اگر تعریف ما مبتنی بر سیاسی و تاریخی بودن ناسیونالیسم باشد، آن گاه ابعاد ملت و ملت سازی گسترش می‌یابد و زمینه‌های تحول دموکراتیک مبتنی بر اثرگذاری متقابل ساخت اجتماعی و ساخت سیاسی حادث می‌شود (حشمت زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۹). «اتین بالیبار» تأکید دارد ناسیونالیسم ذاتاً مبهم است؛ و این موضوع به دلیل ماهیت ضد و نقیض جنبش‌های ناسیونالیستی در تاریخ است (بالیبار، ۱۳۹۶: ۱۸). با توجه به همین مسئله است که خیلی از محققین اعتقاد دارند ناسیونالیسم هم سازنده و هم مخرب بوده است (ماتیل، ۱۳۸۳: مقدمه هفت). لاجرم، بحث درباره ناسیونالیسم سهل و ممتنع است و هرکس در باب آن چیزهایی می‌نگارد که بیشتر احساساتی است (داوری اردکانی، ۱۳۶۵: الف).

از منظر مفهومی، ناسیونالیسم آئین اصالت دادن به ملت و ملت‌گرایی است (هیئت، ۱۳۸۱). در تعبیری ساده و ابتدایی، ناسیونالیسم به معنی قوانین حیات ملت یا قوانین حفظ موجودیت ملت است (عاملی تهرانی، ۱۳۷۷: ۸). از این رو، ناسیونالیسم ایدئولوژی ملت است و بر حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش تأکید دارد (قادری و میرزایی، ۱۳۹۰: ۶۹). البته توجه به این نکته ضروری است آنچه به‌عنوان مبانی اشتراک اعضای یک ملت و افتراق آن با ملل دیگر به‌شمار می‌رود، همچون؛ زبان، فرهنگ، تاریخ مشترک و...، بیشتر محصول فرایند ملت سازی است. به همین دلیل، ناسیونالیسم، اگر چیزی بیش از یک سازه فرهنگی- سیاسی باشد، محتاج مبانی عینی‌تری است که به دشواری قابل اثبات است. به این معنا که اگر ناسیونالیسم به مبانی واقعی مشترک میان افراد متکی باشد، لازمه آن پذیرش ناسیونالیسم قومی هم هست که هم عرض تجزیه طلبی است و در تنافی با ملت- دولت قرار می‌گیرد. برای پرهیز از این مشکل، معمولاً، کارکردهای ناسیونالیسم ملی، از قبیل نظم، امنیت و توسعه، مورد تأکید قرار می‌گیرد، که دفاع مستدلی است، البته تا زمانی که تغییرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جهان، ناسیونالیسم را به

کژکارکرد در موارد مذکور مبتلا نکند؛ در غیر این صورت، با همان منطقی که عبور از قبیله‌گرایی به ناسیونالیسم صورت گرفت، عبور از ناسیونالیسم به جهانی شدن و نظم واحد هم ممکن است (مردیها، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

«استنلی بن» (Benn, 1967) اعتقاد دارد واژه ناسیونالیسم را می‌توان دست کم به پنج معنای مختلف تعریف کرد: گونه‌ای احساس وفاداری به ملتی خاص (یعنی قسمی میهن پرستی)؛ در مورد ملی و سیاست، تمایل به رعایت منافع ملت خویش به تنهایی، به‌ویژه در حالت‌هایی که پای رقابت با منافع ملت‌های دیگر در میان باشد؛ اهمیت اساسی دادن به صفات ویژه هر ملت؛ لزوم حفظ فرهنگ ملی؛ و برداشت نهایی این است که اعتقاد به این نظریه در سیاست و مردم‌شناسی که نوع بشر به طبع منقسم به ملت‌ها است، و بعضی ملاک‌های معین برای تشخیص هر ملت و افراد آن وجود دارد، و هر ملتی حق دارد از خودش حکومتی مستقل داشته باشد، و دولت‌ها تنها به این شرط مشروعیت دارند که مطابق این اصل تشکیل شده باشند، و سرانجام اینکه جهان از جهت سیاسی فقط به این شرط سازمان صحیح پیدا می‌کند که هر ملتی یک دولت داشته باشد و هر دولتی منحصرأ از تمامی یک ملت تشکیل شود (فولادوند، ۱۳۷۷). از دید بیلینگ نیز ناسیونالیسم یک ایدئولوژی است که از هر ملتی به صورت یک واحد حفاظت می‌کند و دائماً از طریق فعالیت‌های سمبلیک، مثل احترام گذاشتن به پرچم، باز تولید می‌شود. تمایز بین درون گروه یا ما و آنها به‌طور پیچیده‌ای با ایده‌ی ملت و ناسیونالیسم به‌عنوان معیاری برای تشخیص اینکه چه کسی خودی و چه کسی غریبه است، همراه است. از نظر بیلینگ ناسیونالیسم نیروی خفته‌ای نیست که خود را تحت شرایط فوق‌العاده بروز دهد یا نوعی فاجعه‌ی طبیعی که به‌صورت خودجوش و پیش‌بینی ناپذیر حادث شود؛ ناسیونالیسم گفتمانی است که به‌صورت مداوم آگاهی ما و شیوه‌ی فهممان را از جهان سازمان می‌دهد؛ و باز تولید ما تحت عنوان ملت، هویت جمعی ما را نیز می‌سازد. ناسیونالیسم شکلی از دیدن و تفسیر کردن است که گفتار، کردار و طرز تلقی‌های روزانه‌ی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هاشمیان فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۶-۱۸۵). در برداشت دیگری، ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم عبارت از: عشق و علاقه و تعلق خاطر داشتن یک ملت به سرزمین، زبان، فرهنگ، تاریخ و یا نژاد دانسته می‌شود که همین وابستگی‌ها باعث می‌شود آن ملت از این خصایص دفاع کرده و آنها را حفظ کنند (شهرام نیا و نظیفی، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

تیپولوژی ناسیونالیسم

«کارلتون هیز» شش نوع ناسیونالیسم را مورد طبقه‌بندی قرار می‌دهد که عبارتند از؛ ناسیونالیسم بشردوستانه، ناسیونالیسم ژاکوبین، ناسیونالیسم سنتی، ناسیونالیسم لیبرال، ناسیونالیسم وحدت خواه و ناسیونالیسم اقتصادی. این تقسیم‌بندی صرفاً با نگاه به اروپا و علی‌الخصوص فرانسه و انگلیس صورت گرفته است. «هانس کوهن» ناسیونالیسم را به دو نوع غربی و شرقی تقسیم می‌کند. ناسیونالیسم غربی ملهم از روح روشنگری است در حالی که ناسیونالیسم شرقی به دنبال رد یا تحقیر آن است. تقسیم‌بندی

کوهن به دلیل غرب محوری از لحاظ ارزشی و اخلاقی مورد انتقاد واقع شده است. «اسنایدر» چهار نوع ناسیونالیسم را مطرح می‌کند: ناسیونالیسم وحدت بخش، ناسیونالیسم آشوبگر، ناسیونالیسم مهاجم و ناسیونالیسم معاصر (اوزکریملی، ۱۳۸۴: ۱۵۵). برخی از محققان، ناسیونالیسم را به دو نوع ناسیونالیسم مدنی و ناسیونالیسم قومی تقسیم می‌کنند (مقدم فر، ۱۳۸۸: ۱۸). در ادامه سه گونه ناسیونالیسم را بررسی می‌نماییم.

یکی از این گونه‌ها ناسیونالیسم مدنی- ملی^۱ است. آموزه‌هایی که این گونه ناسیونالیسم درباره‌ی ملت ترویج می‌کند عبارت است از اینکه ملت از مردمی برابر تشکیل شده که برای ایجاد نظم در میان خود، دولت تشکیل داده‌اند؛ اگرچه این مردم ممکن است از ویژگی‌های متفاوت زبانی، قومی، مذهبی، طبقاتی و جنسیتی برخوردار باشند، ولی همه در برابر قانون، دولت و امکانات عمومی برابرند؛ دستگاه دولت توسط مردم ایجاد شده و در برابر آنها پاسخگوست. از این رو ناسیونالیسم مدنی تناسب اخلاقی دارد. بدین معنی که از جنبه‌ی داخلی، همه‌ی آحاد مردم را در مقابل دولت، برابر و آزاد تلقی می‌کند و از جنبه‌ی خارجی نیز اعتقاد به برابری ملت‌ها دارد و هر ملتی، اصل حق آزادی و حق تعیین سرنوشت خود را دارد. در این سبک، ناسیونالیسم مدنی سازوکاری است که هم برای تأمین نظم داخلی و هم نظم جهانی به صورت صلح‌آمیز به کار می‌رود. گونه دوم ناسیونالیسم فرهنگی- ملی^۲ است. این گونه از ناسیونالیسم مروج اعتقادی است که ملت را در درجه اول مبتنی بر تجدید حیات ملت به منزله‌ی تمدنی متمایز (و نه یک اجتماع سیاسی در میان اجتماعات سیاسی جهانی) و یک هویت فرهنگی ریشه‌دار و عظیم تاریخی در نظر می‌گیرد. اگر در گونه‌ی ناسیونالیسم مدنی بر سازوکار عمل عقلانی و اخلاقی مردم و دولت تأکید می‌شود، در ملت‌گرایی به معنای فرهنگی- ملی آن، تأکید بر یک محتوای فرهنگی رازآلود است. ناسیونالیسم فرهنگی، بر پایه‌ی باورهای رمانتیک به ملت به منزله‌ی کل یگانه، تاریخی و ارگانیک استوار است که از روح خاص خود جان می‌گیرد. ناسیونالیسم فرهنگی/ملی به نوعی، شکلی از پایین به بالای ناسیونالیسم است که بیشتر بر مراسم، سنت‌ها و افسانه‌ها اتکاء دارد نه بر فرهنگ نخبگان یا فرهنگ عالی‌تر. اگرچه ناسیونالیسم فرهنگی در حقیقت، مخالف نوگرایی است، اما ممکن است بتواند با توانمندساختن مردم برای بازآفرینی خود به صورت عامل مدرن‌سازی نیز عمل کند. مصداقی از این دیدگاه را می‌توان در ناسیونالیسم عظمت طلب و باستان‌گرایی دوره‌ی پهلوی دید. گونه‌ی سوم، ناسیونالیسم قومی^۳ است. این ملت‌گرایی برخلاف ملت‌گرایی مدنی، محتوایی فرهنگی دارد و به جای تأکید بر یک تمدن رازآلود بزرگ تاریخی، بر اهمیت نیا و محتوای یک گروه قومی تأکید می‌کند. بدین معنی که این ناسیونالیسم بر احساس وفاداری به مردم، گروه خاص فرهنگی و سرزمینی تأکید می‌کند. معمولاً طرفداران این ناسیونالیسم معتقدند که حقوق قومی و فرهنگی آنها، از سوی گروه‌های اکثریت قومی که در دولت-ملت‌ها موقعیت برتر دارند

1. National-Civic Nationalism
2. National-Cultural Nationalism
3. Ethnic Nationalism

نادیده گرفته می‌شود. از این‌رو در ملت-دولتهایی که گرایش مسلط در آنها ناسیونالیسم فرهنگی - ملی است و نسبت به حقوق اقلیت‌های قومی بی‌توجه‌اند و یا درصدد محو آن هستند، پتانسیل پیوستن افراد به طرفداران ناسیونالیسم قومی افزایش می‌یابد (جلالی پور و نظرعباسی، ۱۳۹۱: ۱۲۵-۱۲۴).

اسلام و ناسیونالیسم

رگه‌هایی از ناسیونالیسم، در عرصه روابط بین‌الملل نیز با عنوان‌های منافع ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی و اقتصاد ملی رخ می‌نماید که صاحبان این اندیشه در غرب (رویکرد مادی‌گرا و غیراسلامی)، می‌کوشند با وادار کردن انسان‌ها به وفاداری و حمایت بی‌چون و چرا از ملیتشان، به دستاوردهای زیر دست یابند: تفاخر ملت به ملیت، تاریخ و گذشتگان خود و احساس برتری نسبت به ملت‌های دیگر؛ عصبیت و حمایت کورکورانه از افراد و گروه‌هایی که در ملیت و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند، با آنان متحدند؛ به حساب آوردن ملت، در تعیین حاکمیت و قانون‌گذاری، به‌عنوان بالاترین مرجع. اگرچه بنیان‌گذاران این مکتب، آن را باعث وحدت و خیزش ملت‌ها در برابر ستم می‌شمردند، ولی با گسترش آن در جهان، مردم دنیا شاهد تبعیض، بی‌عدالتی، اختلاف و جنگ‌های خانمان سوزی، مانند جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم بودند. دین اسلام، آخرین شریعت هدایت بخش و کامل‌ترین راهنمای بشر، سال‌ها پیش از ظهور این مکتب، مبانی و ریشه‌های آن را که در آن دوران به شکل ابتدایی در بین مردم گسترش داشت، ارزیابی و نقد کرده است. دیدگاه اسلام نسبت به ملی‌گرایی به قرار زیر است: وجود ملت‌های گوناگون، هماهنگ با خواست خداوند است. علت این گوناگونی نیز شناسایی شدن افراد بشر برای یکدیگر است؛ وابستگی به هر یک از ملت‌های جهان، نمی‌تواند عامل تفاخر و برتری باشد؛ در عین حال که حمایت و یاری نزدیکان و هم‌میهنان، امری پسندیده است، نباید به تعصب کورکورانه و یاری بر ستم و گناه بیانجامد؛ زمین برای همه بندگان خدا آفریده شده است و همه با احترام به قوانین مالکیت، می‌توانند از آن استفاده کنند؛ هیچ کس برتری و امتیازی بدون دلیل عقلی و شرعی بر دیگران ندارد؛ زیرا مالک هستی، خدا و حق حاکمیت و قانون‌گذاری نیز از آن او است و به هر کس که اذن دهد، حاکمیتش مشروع و قانونش واجب‌الاطاعه است؛ اسلام، نظریه امت واحده را در برابر دیدگاه ملی‌گرایی پیشنهاد می‌کند؛ چون این نظریه، به جای تأکید بر وابستگی و وفاداری به ملت ویژه، بر عقیده و آرمان انسان‌ها تأکید می‌ورزد که می‌تواند با داشتن اصولی مانند برادری، مساوات، دوستی و دشمنی در راه خدا، برتری بر اساس تقوا، جامعه‌ای دور از اختلاف و تبعیض و بی‌عدالتی را بنیان گذارد تا رشد و پیشرفت همه انسان‌ها را به ارمغان آورد (شیخ شعاعی، ۱۳۸۴: ۱).

بنابراین، ملی‌گرایی و به تعبیر عربی «الوطنیه» یعنی میهن دوستی و یا حب الوطن یا دوستی فامیل و خویشان و خانواده، نه تنها در اسلام مذموم نیست، بلکه مورد سفارش نیز واقع شده است. اما ملی‌گرایی، گاه به معنی «القومیة» یعنی گرایش شدید به نژادپرستی است. در این مورد، دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که وطن دوستی با وطن پرستی متفاوت است. وطن پرستی بیراهه است، ولی وطن دوستی محرک و زمینه‌ساز و مشوق توسعه یافتگی است. یک قاعده ثابت در میان کشورهای توسعه یافته این

است که در این ممالک عموم مردم، علاقه شدیدی به تاریخ، آداب و رسوم و محدوده جغرافیایی خود دارند و اساساً در جامعه‌ای که وطن دوستی نباشد، انگیزه‌ای برای خدمت، رشد، توسعه یافتگی وجود نخواهد داشت. پس؛ اسلام نه تنها ملت‌های کنونی را نفی نمی‌کند، بلکه آنان را مورد شناسایی قرار می‌دهد و بر همین اساس نیز نظریه خود را بنا می‌نهد. تحقق این نظریه با یک شیوه علمی صحیح مبتنی بر دو رکن است: توجه به اندیشه دیگران و گزینش صحیح. منظور از ارزش‌ها، معیارهایی است که به وسیله آن می‌توان انسان‌ها را مورد ارزیابی قرار داد و نوعی ترتب، تقدم و برتری در بین آنان ایجاد نمود. در زندگی اجتماعی بسیاری چیزها هست که ما را به سوی برابری سوق می‌دهد، اما معیاری که در اسلام اساس ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد تقواست و در واقع، تقوا ملاک دوستی، دشمنی، انکار، برابری، تفاوت و بسیاری از شئون زندگی اجتماعی است. اساس ارزش‌ها در اسلام، تقوا و پایداری نسبت به اوامر و نواهی الهی است. تقوا میزانی است که به وسیله آن افراد و اجتماعات و ملیت‌ها را می‌توان ارزیابی کرد. تقوا به‌عنوان اساس و بنیانی است که باید محور تمام حرکت‌های انسانی قرار گیرد. حرکت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و به‌طور کلی همه تلاش‌های انسانی باید بر پایه تقوا هدایت شود (غرویان و قوامیان، ۱۳۸۰: ۱۱۰-۱۰۴). از این رو، می‌توان گفت که یک‌سری باورها و آموزه‌های اسلامی به خاطر دینی بودن آن در تقابل با آموزه‌های ملی‌گرایی و ناسیونالیستی که صبغه دنیوی و وطنی دارند قرار می‌گیرد، اما اسلام معتقد است که ملی‌گرایی اگر وطن دوستی و وفاداری نسبت به میهن خود است، می‌تواند جنبه مثبتی از ملی‌گرایی باشد که تضادی با اسلام‌گرایی ندارد، ولی اگر ملی‌گرایی صرفاً تأکید بر وحدت انسان‌ها بر پایه نژاد و ملیت خود و جدایی سایر ملت‌ها و ایجاد تفرقه باشد می‌تواند بُعدی منفی از ملی‌گرایی محسوب گردد و با آن به مخالفت برمی‌خیزد. در کل اسلام‌گرایان برای حل کردن این مشکل بین عقاید اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی به تغییر و جابه‌جایی دو مفهوم: امت به جای ملت و انترناسیونالیسم به جای ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی اشاره می‌کنند. در کشورهای اسلامی، ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی همواره به‌عنوان رقیبی برای اندیشه‌های اسلام‌گرایانه و مبتنی بر وحدت امت اسلامی بوده است. قرآن کریم به واسطه این آیه که «وجعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» صراحتاً به نفی مفاخرات قومی و قبیله‌ای و ملی می‌پردازد و تنها معیار کرامت انسانی را تقوای الهی معرفی می‌کند. در ادامه می‌توان گفت که اسلام و آموزه‌های اسلامی و همچنین اندیشمندان اسلامی همچون امام خمینی(ره)، آیت الله خامنه‌ای، شهید مطهری و...، ملی‌گرایی را دارای دو جنبه مثبت و منفی می‌دانند و بی‌توجه به تأکید بر ملی‌گرایی صرف، معتقد هستند که اگر ملی‌گرایی عاملی باشد برای همبستگی با کسانی که با آنها زندگی مشترک داریم، با اسلام منافاتی ندارد، در غیر این صورت غیرعاقلاًنه و مذموم است؛ در حالی که می‌دانیم مهمترین عامل، همیشه در ملی‌گرایی تأکید و توجه به عنصر ملیت و عواملی همچون زبان، نژاد، آداب و سنن و غیره است و به دنبال همین موارد و دفاع از همین عوامل بوده که بعضی کشورها و ملل به این فکر افتادند که خود، پیشینه و فرهنگ خود را از سلطه و استعمار و نابودی نجات دهند. ولی از آنجایی که مهمترین و اصلی‌ترین عامل در اسلام، وحدت بین اقوام و ملل مختلف

است، عوامل ذکر شده نمی‌تواند در اندیشه‌های اسلامی به‌طور صرف مورد قبول واقع شود و در تقابل با ملی‌گرایی قرار می‌گیرد. البته این نکته ناگفته نماند که مذهب هیچ‌گاه با ملی‌گرایی تضادی پیدا نمی‌کند؛ زیرا همیشه دین و مذهب به‌عنوان عاملی آرامش بخش و تسکین دهنده برای ملت‌ها بوده و در پس عقاید و باورهای ملل مختلف همیشه اعتقاد و باور به ادیان وجود داشته است، اما به‌نظر می‌رسد از زمانی که بیشتر مسائل در جهان تحت تأثیر عوامل سیاسی قرار گرفتند مشکل ساز شده است. به‌گونه‌ای که ملی‌گرایی به‌عنوان ایدئولوژی مطرح می‌شود که در آن ملت دیگر نه به مفهوم ساده خود، بلکه به واژه‌ای در ارتباط با دولت-ملت، که اصطلاحی سیاسی شده است، اطلاق می‌گردد. همچنین اسلام‌گرایی به‌گونه‌ای به اسلام سیاسی تعبیر شده است. در حالی که ملی‌گرایی به تنهایی با دین و مذهب تقابلی نمی‌یابد؛ بلکه با تأکید اسلام‌گرایی بر وحدت تمام ملل و جهانشمولی آن دچار تضاد می‌شود. به نظر می‌رسد چون اسلام، دینی برای همه بشریت است و رسالت خود را هدایت جهانی تمام ملل می‌داند با آموزه‌های ملی‌گرایی، آن هم ملی‌گرایی ضد لیبرالی دچار تضاد می‌شود. در حالی که اگر اسلام تنها دینی برای یک ملیت خاص بود در این صورت دیگر با ناسیونالیسم و یا ملی‌گرایی تقابل نمی‌یافت؛ زیرا از نظر اسلام، ناسیونالیسم با وجود داشتن جنبه مثبت در آغاز راه خود؛ یعنی علاقه به گذشته و پیشینه ملی، با رشد خود در مراحل بعدی، این جنبه مثبت خود را از دست داده و به عاملی ضدلیبرالی و استعماری تبدیل می‌شود. بنابراین ممکن است این جریان فکری به تنهایی برای هر کشوری مفید باشد، ولی در کشوری که دینی مانند اسلام که آموزه‌های آن معتقد به محدود نشدن در یک ملیت است، نمی‌تواند مفید باشد (شهرام نیا و نظیفی، ۱۳۹۲: ۲۱۶-۲۱۴). در گفتمان انقلاب اسلامی، ناسیونالیسم (عصبیت افراطی) یکی از نشانه‌های اطلاق جاهلیت مدرن^۱ (نادری، ۱۳۹۶: ۷۹) بوده است و می‌توان از آن به‌عنوان یکی از چالش‌های هویت مرکزی جامعه ایران نام برد که در دو حوزه هویت باستانی-شاهنشاهی‌گرایی با آرمان‌های ناسیونالیسم افراطی و قوم‌گرایی و فرقه‌گرایی انحرافی خود را نشان داده است (سیمبر و ستوده، ۱۳۹۳: ۹۱). آیت الله خامنه‌ای تأکید دارند دعواهای تنگ‌نظرانه و ناسیونالیسم‌های قومی محدود، به کلی با دیدگاه اسلام و با دیدگاه بلند و بازی که همه‌ی ما به آن احتیاج داریم منافات دارد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

رهبر انقلاب اسلامی معتقدند که اهداف ناسیونالیست‌ها بسیار محدود و قومی است و جوامع اسلامی باید، فراتر از نگرش‌های قومی و قبیله‌ای، اهداف انسانی را مد نظر قرار دهند. از این رو، فرق میان ناسیونالیسم قومی و ناسیونالیسم به معنای حراست عقلانی از میهن و ملت‌ها، در اهداف آنها است. به تعبیر آیت الله خامنه‌ای؛ «هر کشوری از کشورها، هدفشان به هدف‌های ناسیونالیستی و قومی محدود می‌شود، شما هدفشان یک هدف انسانی است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۸/۰۸).

۱. جاهلیت مدرن تعبیر و اصطلاحی است که برای نقد مبانی معرفتی و منطقی رفتاری تمدن غرب در گفتمان فکری انقلاب اسلامی به‌کار می‌رود.

جدول ۱: نسبت اسلام و ناسیونالیسم در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای

ایدئولوژی ناسیونالیستی	ایدئولوژی اسلامی	بعد(وجه تمایز)
حاکمیت تفکر نژادی، اصالت خون و رنگ، نژادپرستی و نفی ملل و اقوام دیگر	اصالت شریعت و عدالت برابری همه انسان‌ها و اصالت نداشتن نژاد و قومیت، دعوت به دور ریختن انگیزه‌های تفرقه بین انسان‌ها	مبانی معرفتی
جایز و مباح	حرام و ممنوع	استعمار، استثمار، تجاوز، غضب و غارت اموال ملل و اقوام دیگر
انسان موجودی تک ساختی (دنیایی و مادی)	انسان موجودی دو ساختی (مادی و معنوی)	نگاه به انسان
آبادانی و پیشرفت بعد مادی و دنیایی زندگی یک قوم یا ملت (مادی گرایی و دوری از معنویت)	توجه متعادل به دنیا و آخرت و رشد و تعالی همه انسان‌ها و سعادت جامعه بشری (معنویت گرایی)	کانون توجه و هدف
بی‌تفاوتی و سکوت در برابر جنایات، ظلم‌ها و کشتار انسان‌ها در دنیا (عافیت طلبی و انفعال) بدون راه‌حل برای این نابسامانی‌ها	اعلام موضع صریح و علنی در برابر ظالمان بین‌المللی و مستکبران عالم و مبارزه با ظلم و تبعیض در دنیا (رویکرد فعال و تهاجمی) اسلام تنها راه علاج این نابسامانی‌ها	موضع در برابر ظلم و قدرت‌های استکباری
«هدف» با فقدان دین، پیشرفت در راه‌های غلطی مثل نابود کردن یک ملت دیگر به کار گرفته شود.	«وسیله»، عشق به معنویت و ارتباط با خدا، پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی تضمین می‌کند.	نگاه به ثروت، قدرت و علم (پیشرفت)
۱- ایجاد ضد ارزش‌ها، فساد، فحشا و انحطاط اخلاقی ۲- اسارت انسان‌ها و ملت‌ها ۳- تحقیر و نفی انسان‌ها و ملت‌های دیگر ۴- وابستگی، دنباله روی و ذلت سایر کشورها ۵- تنافس و تفاخر، اختلاف و ایجاد جنگ‌های بین‌المللی و نابودی انسان‌ها	۱- نفی ضد ارزش‌ها و رشد اخلاق و معنویت ۲- آزادی همه انسان‌ها و ملت‌ها ۳- عزت و تکریم همه انسان‌ها و ملت‌ها ۴- حفظ عزت، استقلال سیاسی، اقتصادی و قدرت تصمیم‌گیری کشورها ۵- ایجاد عزت، اتحاد و همدلی	آثار و پیامدها

(منبع: افتخاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲)

ناسیونالیسم ایرانی

از برآمدن جنبش مشروطه‌خواهی مردم ایران تا روزگار ما، بحث‌های مداوم و چالش برانگیز بر سر مفهومی‌های نوین همانند ملت، ناسیونالیسم، آزادی و قانون، در سپهر فکری و اجتماعی - سیاسی ایرانیان، از اختلاف‌های عمیق و نبود اجماع نظر در میان اندیشه‌وران حکایت می‌کند. در میان این مفهومی‌ها، ناسیونالیسم و نسبت آن با اسلام (با قرائت‌های گوناگون) در کانون بحث‌های پردامنه و جدی قرار گرفته است (محمودی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). ناسیونالیسم باستان‌گرا در دوران پهلوی اول و دوم، ناسیونالیسم لیبرال در دوران نهضت ملی و ناسیونالیسم مذهبی در دوران جمهوری اسلامی سه چهره مهم ناسیونالیسم ایرانی‌اند که هر یک به نحوی در تنظیم مناسبات فراملی ایران نقش داشته‌اند. ناسیونالیسم، با وجود جهت‌گیری‌های مختلف، نقش مهمی در بازسازی هویت ملی و تحکیم خودباوری و استقلال کشور داشته است. پس از انقلاب اسلامی، ناسیونالیسم غالباً تحت الشعاع اسلام‌گرایی قرار داشته و ایدئالیسم اسلام‌گرا در عرصه مناسبات جهانی کشور ظهور پررنگی یافته است (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۸۳).

در ایران، ملازمه بسیار نزدیکی بین جامعه و دین و ارکان و عناصر آن از دوره باستان به این سو برقرار و یکپارچگی و استقلال ملی ایران اغلب در گرو وحدت مذهبی و اتحاد دین و دولت بوده است. رسمیت یافتن مذهب شیعی و تأسیس دولت ملی، دو رکن فرومانده هویت ملی به‌شمار می‌آید که با انقلاب صفوی تکمیل شد که یکی از کارکردهای آن، ایجاد ناسیونالیسم مذهبی در دوران صفویه و بعد از آن شد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۴۵). در اوایل قرن نوزدهم، ناسیونالیسم ایرانی در اصل در واکنش به توسعه طلبی قدرت‌های مهاجم خارجی، به نحو ضداستعماری بروز کرد و سرانجام در برابر استبداد داخلی، شکل ضداستبدادی به خود گرفت. ناسیونالیست‌های ایرانی در این دوره بر حفظ استقلال ایران تمرکز کردند، هر چند حفظ هویت و یکپارچگی ایران را نیز کمابیش در زمره اهدافشان داشتند. از همین دوره، ناسیونالیسم ایرانی به تدریج در پیوند با زمینه متنوع و در حال دگرگونی ایران، ماهیتی چندبُعدی یافت. آشنایی و دریافت داده‌های سیاسی مدرن، گرایش مدنی به آن داد و سپس در بازگشت به داشته‌های فرهنگی، گرایش باستانی و مذهبی نیز یافت. مهمترین دستاورد ناسیونالیست‌های ایرانی تا پایان سده نوزدهم، پردازش زمینه‌های حکومت قانون به‌عنوان پیش درآمد حق حاکمیت ملت بود که سرانجام در مشروطه ایرانی رونمایی شد. از همین دوره است که زمینه اشکال گوناگون ملت‌سازی در ایران معاصر شکل گرفت و فرایند تدریجی گذار از یک ملت فرهنگی به یک ملت سیاسی پی‌ریزی شد، هر چند تاکنون به‌طور کامل تحقق نیافته است (قادری و میرزایی، ۱۳۹۰: ۶۹).

مشروطه ایرانی به رغم اهمیتش در فرآیند مدرنیته سیاسی در ایران، کمتر از منظر ایدئولوژی‌های ملت‌سازی/ ناسیونالیسم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی رخداد مشروطه زمینه رونمایی چهره‌های چندگانه ناسیونالیسم ایرانی برآمده از سده نوزدهم را فراهم آورد. مشروطه ایرانی از یک سو با تبلور ناسیونالیسم سیاسی مبتنی بر حق حاکمیت ملت و حکومت قانون و از سوی دیگر با واکنش ناسیونالیسم فرهنگی مواجه شد. هم‌گرایی مصلحت‌آمیز و کوتاه‌مدت این

گرایش‌های ناسیونالیستی در آغاز مشروطه اگر چه دستاوردهایی را به همراه داشت، اما واگرایی و تشدید منازعات گرایش‌های ناسیونالیستی در فرآیند مشروطه نشان از تعارضات ماهوی و محدودکننده پروژه مدرنیته سیاسی ایرانی داشت. چندگانگی ناسیونالیسم ایرانی بر پایه تنوع منابع فرهنگی و ارزشی خاص و سوگیری‌های واگرایانه گرایش‌های ناسیونالیستی در مشروطه ایرانی، امکان اشتراک بر سر تعریف فراگیر ملت و استقرار و نهادینه کردن حاکمیت ملت و حکومت قانون را تحلیل برد. به گونه‌ای که از مشروطه به این سو، مسأله ملت و حق حاکمیت ملت به عنوان مهم‌ترین مسأله معاصر ایران همچنان در کانون توجه قرار دارد (میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). باید توجه داشت که ملی‌گرایی در دوره مشروطه به ادبیات سیاسی ایران وارد شد و همچنین ملی‌گرایی در ایران وجه سلبی داشته و عمدتاً در وجه همبستگی در مقابل بیگانگان شکل گرفته است (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۲). شکل‌گیری دولت مدرن از سال ۱۳۰۰ خورشیدی، نقش نخبگان فکری و سیاسی و سیاست بین‌الملل حاکم در طول یک قرن گذشته به عنوان عوامل اصلی به وجود آمدن ناسیونالیسم قومی در ایران مطرح می‌شود (صمیمی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). این امر در عصر پهلوی اول به خوبی نمایان شد و با اجرای سیاست ناسیونالیسم فرهنگی، ارائه قدرتی برهنه با عملکرد معلق و تقریباً یک سویه، تقابل صرفاً نظامی با ایالات و قومیت‌ها و طرد آنها و تلاش در جهت حذف خرده فرهنگ‌ها و زبان آنان در روند ملت‌سازی از تحقق مفهوم ناسیونالیسم در بین نیروهای اجتماعی و سیاسی جلوگیری شد (حشمت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۹). مظاهر ناسیونالیسم در رژیم پهلوی را می‌توان در سه مؤلفه «باستان‌گرایی»، «میهن دوستی» و «شاه پرستی» مشاهده نمود (وطن دوست و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۱). احمد اشرف در کتاب «هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی تحول تاریخی هویت ایرانی» (اشرف، ۱۳۹۵) تأکید کرده است؛ «ایران برخلاف بسیاری از کشورهای نوپدید خاورمیانه و سایر نقاط جهان، در گذار از دوران سیاسی سنتی به دوره سیاسی مدرن، یعنی دوره شکل‌گیری اندیشه ناسیونالیسم و هویت ملی، با چالش عمده‌ای روبه‌رو نشد. اندیشمندان و نخبگان سیاسی ایران نیز با تکیه بر روایت‌های تکامل یافته هویت تاریخی، فرهنگی و سیاسی قرون گذشته، گفتمان هویت ملی مدرن و ناسیونالیسم ایرانی را بر مبنای سنت‌های هویتی پیشامدرن خود استوار ساختند» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹). بنابراین می‌توان اذعان داشت؛ «دوره سلطنت رضاشاه به دلیل تلاش حکومت برای تأسیس دولت مدرن و گسترش غرب‌گرایی و تلاش شخص رضاشاه و روشنفکران همراه و هم‌رأی وی برای کسب مشروعیت سیاسی از طریق پیوند دادن سلطنت پهلوی با پادشاهی‌های باستانی ایران، یک مقطع دوران‌ساز و مؤثر در شکل‌دهی بنیان‌های فکری ایران نوین به‌شمار می‌رود. در این میان ناسیونالیسم که به عنوان یکی از ایدئولوژی‌های اصلی و ماهوی جریان تجددخواهی، با پیروزی انقلاب مشروطیت در فضای سیاسی و فرهنگی ایران تثبیت شده بود، از یک نقش محوری در تحولات فکری عصر پهلوی اول برخوردار شد. از سوی دیگر، ناامنی و ناکارآمدی گسترده بعد از دوران مشروطه، موجب گرایش هر چه بیشتر روشنفکران و رجال سیاسی آن عهد به سوی ملی‌گرایی و مظاهر اصلی آن همچون دولت ملی برای ایجاد ثبات و امنیت و توسعه در ایران شد. در چنین فضایی رضاخان پا به عرصه قدرت سیاسی گذاشت و توانست با در دست

گرفتن اقتدار نظامی و ایجاد ثبات و امنیت نسبی در کشور، وجهه خوبی برای خود به دست آورد و سپس، با اتخاذ ایدئولوژی ناسیونالیسم تلاش کرد تا ضمن رسیدن به مقام سلطنت ایران، برای حکومت خود مشروعیت سیاسی استواری فراهم کند» (علیزاده و طرفداری، ۱۳۸۹: ۹۹).

می‌توان بیان داشت که مشروطه توسط رادیکال‌های انقلابی مثل تقی‌زاده از حالت اصلاح‌طلبی خود منحرف شد و به صورت ناسیونالیسم رضاخانی و پس از شهریور ۲۰ به صورت ناسیونال سیوسیالیسم مصدقی درآمد و لیبرالیسم و دموکراسی طلبی مشروطه به عقب رانده شد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۱). ناسیونالیسم افراطی در ایران با تأکید بر زبان فارسی و نژاد آریایی و منحن دانستن زبان‌های دیگر قومی و محلی و نژادهای غیر فارس در صدد احیاء آیین‌های دوران باستان ایرانی بودند و در مقام عمل به لحاظ آمیختگی عمیق فرهنگ‌های مختلف در دوران مختلف و تأثیرناپذیری عمیق فرهنگ و آداب و سنن در ایران از فرهنگ و اخلاق اسلامی عملاً چنین تجزیه‌ای امکان‌پذیر نبود (ترابی، ۱۳۸۷: ۳۲). تمامی اقدامات و اصلاحات فرهنگی سلطنت رضاشاهی در پی ایجاد هویت ملی جدید صورت می‌گرفت و جوهره اصلی آنها تأکید بر ناسیونالیسم بود. با فروپاشی استبداد رضاخانی که نماینده ناسیونالیسم تجددگرا بود، در دهه نخست عصر پهلوی دوم جامعه ایرانی شاهد شکل‌گیری ناسیونالیسم ضد استعماری بود که محصول آن نهضت ملی کردن صنعت نفت است. ولی رفته رفته و با قدرتمند شدن محمدرضا شاه ادامه نوسازی جامعه ایران در امتداد دوران پهلوی اول ادامه پیدا کرد. شاه با استفاده از ابزار سرکوب مخالفان توانست یک دولت اقتدارگرای سلسله‌مراتبی تأسیس کند؛ وی از ابتدای دهه ۱۳۴۰ با حمایت غرب فصل تازه‌ای را در ساختار اجتماعی ایران گشود و ایران را به دوره تازه‌ای از عصر نوسازی وارد کرد و آن را عصر تمدن بزرگ نامید. بدین ترتیب دوره دوم تجددگرایی آمرانه آغاز شد و مظاهر و تجلیات تمدن غرب وارد جامعه ایران شدند، بدون اینکه در این اقتباس منطقی و عقلانیتی به‌کار رفته باشد. باستان‌گرایی، مدرنیسم اجباری و دیگر سیاست‌های فرهنگی عصر پهلوی سرانجام به بروز شکاف‌ها، تعارضات و تنش‌های فرهنگی در جامعه ایرانی منجر شدند. هویت ایرانی در طول تاریخ علی‌رغم تأثیرپذیری از برخوردهای فرهنگی و تمدنی متعدد و نیز تحمل فراز و نشیب‌ها، به‌ویژه در معرض قرار گرفتن تهاجمات اقوام دور و نزدیک همچنان توانسته بود بر یک محور و اساس واحد، تداوم خود را در بستر تاریخ تثبیت کند. اما با ظهور تجددگرایی و مدرنیسم به دلیل توجه و پرداختن بیش از حد ایرانیان به ظواهر تمدن جدید (تمدن غرب) سرانجام در میان عناصر این هویت (به‌ویژه در میان دو عنصر مهم دین و ملیت) شکاف ایجاد شد و در این مدت، بیش از هر چیز سیاست‌های تجددگرایانه مبتنی بر الگوهای باستانی ایران و افراط در تقلید از ظواهر نوین غرب، در ایجاد این بحران مؤثر بودند (سیمبر و ستوده، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۷). از این رو، از اوایل دهه چهل شمسی در نتیجه برخی تحولات نظیر: تشدید اقدامات اسلام ستیزانه رژیم، سرخوردگی‌اندیشمندان ایرانی از ایدئولوژی‌های رقیب نظیر ناسیونالیسم، شکل‌گیری ظرفیت‌های جدید برای طرح اسلام مدرن در جامعه، فاصله گرفتن اندیشه امام خمینی (ره) از دیگر روحانیون در حوزه علمیه و هژمونیک شدن اندیشه ایشان، پیوند جدیدی در عرصه سیاست و دین به‌وجود آمد که زمینه ادغام دو

فرم دین و سیاست را فراهم آورد؛ محصول این تلفیق ساختاری شکل‌گیری اسلام سیاسی بود که متولی محتوای جدیدی تحت عنوان سیاست برای دین شد (محمدی و حاضری، ۱۳۹۵: ۱۲۵). این محتوای جدید، مخالف ملی‌گرایی افراطی و نگرش ناسیونالیستی غربی بود. گفتمان ناسیونالیسم ایرانی جدید که بعد از تحولات انقلاب اسلام باقی ماند، با مؤلفه‌هایی چون عظمت و شکوه تاریخی، استقلال، تنفر و بیزاری از بیگانگان شناخته می‌شود (خانیکی و اقدسی، ۱۳۹۵: ۴۵) و به تعبیر رضا داوری اردکانی، در مکتب ناسیونالیسم ایران نیز فرد با حفظ همه ویژگی‌های خود چون؛ شخصیت، موقعیت و موضع اجتماعی، حقوق انسانی و... منافع ملی را برتر از منابع شخصی خود می‌داند و حتی آماده است در صورت لزوم برای حفظ منافع ملی از گزند حوادث، جان خود را فدا کند (داوری اردکانی، ۱۳۶۵). به همین دلیل است که خیلی از محققین اعتقاد دارند ناسیونالیسم مثبت ایرانی که از افراطی‌گری به دور است، سرشار از الفت و مهربانی است (محمودی، ۱۳۸۵: ۵۵-۵۳).

«سامی زبیده» (Zubaida, 2004: 407-420) معتقد است ناسیونالیسم ایران در دوران مدرن، تاریخ ایران را از تاریخ اعراب جدا کرده است. ناسیونالیسم ایرانی گذشته‌ی پیش از اسلام را گرامی می‌دارد و بر استمرار فرهنگ ایرانی به‌رغم فتوحات اسلام و اعراب پای می‌فشارد. در واقع ناسیونالیسم ایرانی از رسوخ فرهنگ ایرانی در تمدن اسلامی و شکل دادن به آن مطابق با مضامین و درون‌مایه‌های خود به نیکی یاد می‌کند. اسلام ایرانی متمایز دیده می‌شود و تشیع آن در ادامه‌ی مضامین معنوی پیش از اسلام تلقی می‌گردد. رژیم پهلوی از چنین مضامینی به‌نفع خود بهره‌برداری می‌کرد و باستانی بودن ایرانیان یا سلطنت آریایی را تکریم می‌نمود. این مضامین اساساً سکولار بودند و به استهزای تشکیلات روحانیون، عقب‌ماندگی و ارتجاع آنان می‌پرداختند. در برابر پرورش چنین مضامینی، تشکیلات روحانیون، وابستگی مسخ‌شده به غرب و ضربه زدن و دشمنی آن با اسلام و مسلمانان را محکوم می‌ساختند و به دشمنی با آن می‌پرداختند. آیت‌الله خمینی مشخصاً در متهم کردن سکولاریسم و خودنمایی‌های پهلوی انتقادات تندی داشت و بر وحدت مسلمین جهان و رسالت مشترک جهان اسلام تأکید می‌کردند. بنابراین ایدئولوژی جمهوری اسلامی انترناسیونالیستی بود. جمهوری اسلامی ایران ادعای پیش‌برد پروژه‌ی آزادسازی و همبستگی را در سراسر جهان اسلام داشت و آشکارا برای صدور انقلاب می‌کوشید. بدین لحاظ رژیم‌های عربی ایدئولوژی آن را برانداز می‌دیدند، در عین حالی که از جانب اسلام‌گرایان هر یک از کشورها، به‌مثابه‌ی تجلی قدرت انقلابی اسلام و توانایی فراخوانی توده‌ها و به‌عنوان قدرتی برای مقابله با ایدئولوژی‌های وارداتی سکولار، تکریم می‌شد. انقلاب ایران یک انقلاب مردمی بود، نه کودتایی نظامی به سبک اعراب؛ و توده‌ی مردم تحت لوای اسلام و باورهای راستین آن بسیج شده بودند. این انقلاب نه‌تنها نظر اسلام‌گرایان، بلکه نظر بسیاری از ناسیونالیست‌ها و چپ‌گرایان را در جهان عرب جلب کرد» (زبیده، ۱۳۹۳).

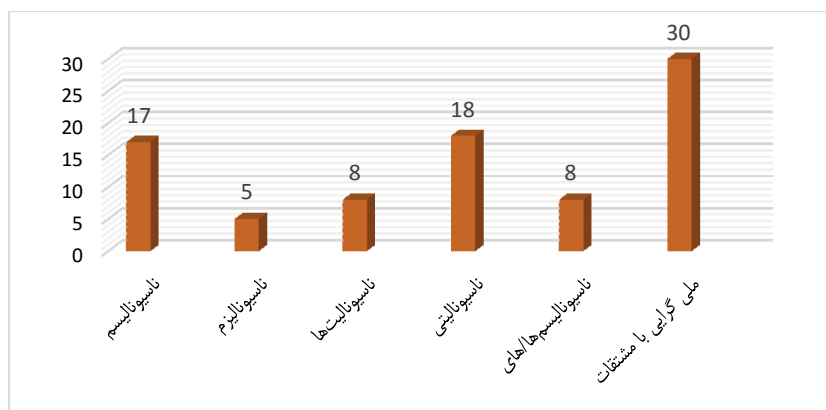
یافته‌های پژوهش

بررسی ایدئولوژی ناسیونالیسم از منظر آیت الله خامنه‌ای

مختصات مفهومی ناسیونالیسم

الف. برداشت کمی

بررسی مجموعه سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ایشان نزدیک به ۷۵ بار از واژه ناسیونالیسم و مشتقات آن استفاده کرده‌اند. برخی از این مشتقات عبارت‌اند از: ناسیونالیسم، ناسیونالیستی، ناسیونالیست‌ها، ناسیونالیسم‌هایی و... می‌باشد. در عین حال، واژه ملی‌گرایی به همراه مشتقات آن را بیش از ۳۰ بار در کلام آیت الله خامنه‌ای مورد استفاده قرار داده‌اند.



نمودار ۱: فراوانی ناسیونالیسم در کلام آیت الله خامنه‌ای

ب. برداشت کیفی

یکی از معانی ناسیونالیسم افراطی در کلام آیت الله خامنه‌ای، «غلیظ کردن احساسات» ملت‌ها می‌باشد (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۰۴/۲۲). ایشان ناسیونالیسم را مترادف «ملت‌خواهی» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۷/۲۲) در نظر می‌گیرند. رهبر انقلاب اسلامی ناسیونالیسم منفی یا افراطی را در برخی از کشورهای مادی و به ظاهر پیشرفته جهان نیز مترادف «تعصب‌های گروهی و حزبی و احیاناً قوم‌گرایی» (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۰۹/۲۲) در نظر می‌گیرند. «علايق و احساسات ملی» یکی دیگر از بارهای معنایی ناسیونالیسم می‌باشد (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۶/۰۱).

ناسیونالیسم منفی بر جنبه‌های قومی، زبانی، خونی و... به همراه افسانه‌ها و تصورات غلط نسبت به اقوام تأکید دارد (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۱۲/۲۲). ناسیونالیسم منفی و افراطی مبتنی بر احساسات غیر منطقی و غیرعقلانی می‌باشد و حتی منجر به فداکاری و جانفشانی‌های بی‌نتیجه در راستای اهداف مادی ساده انگارانه می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴). ایشان در یکی از بیانات انتقادی خویش پیرامون

احساسات عبث برخی از ناسیونالیست‌های مادی‌گرا بیان می‌دارند؛ «بعضی‌ها یک احساساتی دارند، مثلاً؛ احساسات ناسیونالیستی. این احساسات ناسیونالیستی او را وادار به یک حرکت و تلاش فراوان می‌کند تا آنجا که جان خودش را هم از دست می‌دهد، لکن این احساسات است، منطقی و عقلانی نیست. اگر از یک آدم مادی که در راه وطن، خودش را دارد فدا می‌کند، آن وقتی که در بحبوحه و تنور احساسات می‌گذارد یک نفر او را بکشد کنار و بگوید: آقا شما چرا خودت را از دست می‌دهی؟! تو بمیری که چه شود؟! می‌خواهی تو بمیری که وطن زنده باشد! وقتی تو نیستی این وطن باشد یا نباشد چه فایده‌ای دارد؟ چرا و به چه جهت تو بمیری تا دیگری زندگی کند؟ البته این را مادی‌گرا اقرار نمی‌کند، بلکه اگر به مادی‌گرا بگوئید: در جواب هدف‌های عالی، وجدان و از این قبیل چیزها را می‌گوید لیکن این اعتراف را در گوشه و کنار سخنان هوشمندانشان می‌شود مشاهده کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴). از دستاوردهای منفی ناسیونالیسم قومی و افراطی می‌توان به «اختلافات ایلی و قبیله‌ای»، «اختلاف بین اقوام و طوایف مسلمان و تیره‌های گوناگون»، «اختلافات سیاسی» اشاره کرد (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۳۰).

ناسیونالیسم مثبت باید با انگیزه‌ها درونی و معنوی همراه باشد و «اگر ملتی همه چیز داشته باشد، اما انگیزه‌ی درونی و معنوی نداشته باشد، نمی‌تواند از موجودی‌های خود درست استفاده کند. برای همین است که در بعضی از کشورها برای اینکه انگیزه‌ای به مردم بدهند انگیزه‌ی ایمانی که نیست، انگیزه‌ی فکری و یک اندیشه‌ی حرکت‌ساز که نیست مجبورند حسّ ناسیونالیسم را، حسّ قوم‌گرایی را، حسّ وطن‌پرستی را در آنها تقویت کنند تا شاید بتوانند خلأ آن انگیزه‌ی معنوی را پر کنند. البته ملت ما به میهن خود و به گذشته‌ی تاریخ خود عشق می‌ورزد؛ زبان خود را به شدت دوست دارد؛ اما علاوه‌ی بر این‌ها یک انگیزه‌ی معنوی حقیقی نه جعلی و قراردادی دارد و آن ایمان است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴). دستاورد ناسیونالیسم قومی و افراط‌گرایانه در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ناامنی و زدودن آرامش از جامعه بوده است؛ تا جایی که اقلیت‌های دینی و مذهبی با عدم اطمینان از شرایط موجود برخوردار هستند (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۰۶/۲۷). ایشان بیان می‌کنند: «همین اروپایی که دم از آزادی و حقوق بشر می‌زند؛ همین آمریکایی که خود را مرکز همزیستی می‌داند، هنوز که هنوز است، اختلافات نژادی در میانشان بیداد می‌کند. در کشورهای اروپایی، جوانان پیرو ناسیونالیسم‌های افراطی، در کوچه و خیابان، به جان دیگران می‌افتند؛ آنها را در روز روشن کتک می‌زنند، یا حتی نابود می‌کنند. در آمریکا، سیاه و سفید، حتی پیروان ادیان مختلف، از جمله مسلمانان، با اینکه تعدادشان در آمریکا زیاد است، آرامش و امنیتی را که اقلیت‌های دینی در این کشور- ایران- دارند، به‌هیچ‌وجه ندارند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۰۶/۲۷).

جدول ۲: برداشت‌های آیت الله خامنه‌ای در خصوص ناسیونالیسم

ردیف	مضامین	استنادات
۱	غلیظ کردن احساسات	(۱۳۶۸/۰۴/۲۲)
۲	ملت‌خواهی	(۱۳۹۴/۰۷/۲۲)
۳	تعصب‌های گروهی و حزبی	(۱۳۶۸/۰۹/۲۲)
۴	قوم‌گرایی	(۱۳۶۸/۰۹/۲۲)
۵	علاقه و احساسات ملی	(۱۳۶۹/۰۶/۰۱)
	حس وطن‌پرستی	(۱۳۷۹/۰۸/۲۴)

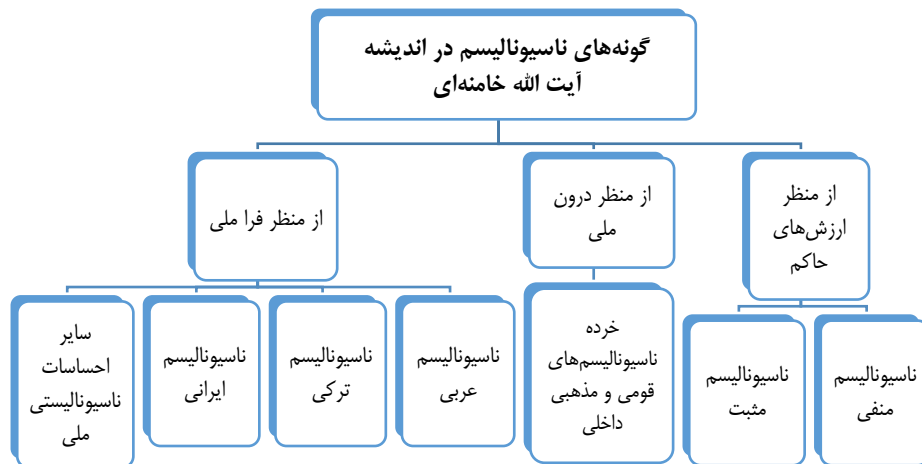
تیپولوژی ناسیونالیسم

آیت الله خامنه‌ای در یک تقسیم‌بندی کلی، ناسیونالیسم را براساس ارزش‌ها حاکم بر آنها به دو دسته ناسیونالیسم مثبت و ناسیونالیسم منفی تقسیم می‌نماید (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۱/۲۶). آیت الله خامنه‌ای اعتقاد دارند؛ «مرتب می‌خواهند گرایش‌های منفی را رواج بدهند. ما هم گرایش‌های مثبت داریم، هم گرایش‌های منفی. گرایش مثبت این است که من خودم را وابسته‌ی به مجموعه‌ای می‌دانم. گرایش منفی یا نافی این است که وابستگی خودم را به معنای لگدزدن به دیگران بدانم؛ مثل ناسیونالیسم منفی یا نافی. ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هرکس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است؛ اما به این معنا که چون من اهل اینجا هستم، پس بایستی علیه همه‌ی ملت‌های دیگر توطئه کنم و بدخواه آنان باشم و علیه آنان کید و مکر داشته باشم، این بد است؛ یعنی اثبات وابستگی من به اینجا، جزئیت من از خانواده‌ی عمومی و جهانی را نفی کند. معمولاً این ناسیونالیست‌ها، وقتی که گرایش ناسیونالیستی در یک‌جا خیلی قوی می‌شود، این‌طوری هستند. علی‌ای‌حال، توجه بکنید که این، آن را نقض نکند؛ یعنی در برنامه‌ها مورد توجه باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۱/۲۶). ایشان در تقسیم‌بندی دیگر، بر ناسیونالیسم افراطی براساس نوع ملیت‌ها تأکید می‌نمایند که برخی از آنها عبارت از ناسیونالیسم ایرانی‌مآبی، ناسیونالیسم عربی، ناسیونالیسم ترکی و... می‌باشد. به تعبیر ایشان؛ «در ایران ناسیونالیسم افراطی ایرانی‌مآبی، در کشورهای عربی، ناسیونالیسم افراطی عربی و در کشورهای ترک زبان، ناسیونالیسم افراطی ترکی را تقویت می‌کردند. در داخل این کشورها، هرجا اقلیتی وجود داشت، به تقویت ناسیونالیسم افراطی قومی آن اقلیت می‌پرداختند. فرض بفرمایید در داخل ایران، نسبت به بعضی از اقوام ایرانی، القانات و تلقین‌هایی می‌شد، تا جنبه‌ی قوم‌گرایی آنها، به شکل افراطی بروز کند. در کشورهای شمال آفریقا- در مصر و جاهای دیگر- بین بعضی از اقوام عرب که از زمان‌های گذشته در آن مناطق بوده‌اند، به تقویت شعارها و احساسات قومی خاص آنها می‌پرداختند و وادارشان می‌کردند که حول آن محورها بگردند. هرجا اقلیت مذهبی بود، آن را تقویت می‌کردند؛ و هلمّ جراً. تلاش‌هایی چنین را که در زمان سابق هم بود، بعد از انقلاب اسلامی

در ایران، مضاعف و تقویت کردند؛ چون دیدند خورشید وحدت آفرین اسلام، در نهایت تالاً و گرمابخشی، در حال تابیدن بر دنیای اسلام است. اما آنها به این تلاش‌ها هم اکتفا نکردند و عناصری را وادار نمودند تا به ایجاد تفرقه بپردازند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

در جایی دیگر تأکید می‌نمایند: «اساسی‌تر از این مسائل، گسیختگی دنیای اسلام است که این هم تلخی بزرگی است و شاید اساس مشکل در آن باشد. ملت‌های اسلامی از هم جدایند. چندین سال - شاید نزدیک به صد سال - است که دست‌هایی احساسات ناسیونالیستی را در ملت‌های اسلامی تقویت می‌کنند. در کشورهای عربی، احساس ناسیونالیسم عربی را؛ در ترکیه احساس ناسیونالیسم ترکی را؛ در ایران احساس ناسیونالیسم ایرانی را و در سایر ملت‌های مسلمان، احساسات ناسیونالیسمی دیگر را. کسانی که این احساسات را در ملت‌های اسلامی تزریق کردند و دمیدند، شاید نظر بدی نداشته‌اند؛ اما توجه نکردند که پان‌عربیسیم و پان‌ترکیسیم و پان‌ایرانیسیم و مانند آن به چه قیمت تمام خواهد شد. توجه نکردند که تزریق چنین احساساتی به قیمت این تمام خواهد شد که ملت‌های یکپارچه، این‌طور از هم گسیخته شوند و دشمنان اسلام هر بلایی می‌خواهند بر سر مسلمانان بیاورند. این هم یک گسیختگی دردآور است که به دلیل احساسات ناسیونالیستی یا احساسات فرقه‌ای بین شیعه و سنی و اباضی و از این قبیل رخ نموده است. اینها تلخی‌هاست. همه هم این تلخی‌ها را می‌بینند. ملت‌ها که دستشان از صحنه‌های تصمیم‌گیری کوتاه است و غمگینند؛ اما متأسفانه مسئولین هم کمتر به فکر ترمیم این رخنه و شکاف در امت اسلامی‌اند. مع‌الاسف این اشکال موجود، از دردهای بزرگ امت اسلامی است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱).

علاوه بر این، ایشان اعتقاد دارند که گرایش‌های ناسیونالیستی می‌تواند درون ملی باشد و در یک کشور، چندین نوع ناسیونالیسم قومی و مذهبی وجود داشته باشد.



نمودار ۲: گونه‌های ناسیونالیسم در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

تهدیدات ناسیونالیسم افراطی برای جامعه جهانی

برخی از تهدیدات ناسیونالیسم در اندیشه و کلام آیت الله خامنه‌ای را براساس روش تحلیل مضمون به شرح زیر استخراج نموده‌ایم؛

الف. تحویل متن: در گام اول از تحلیل مضمونی لازم است مضمون‌های پایه از متن اصلی استخراج شود. در اینجا متن اصلی، که نقل قول‌هایی از رهبری انقلاب اسلامی است قبلاً انتخاب شده و در قالب شناسه‌هایی سازماندهی شده است. هر کدام از این نقل قول‌ها حاوی مضمونی است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود. این مضمون‌ها، که از متن اصلی استخراج شده است، مضمون‌های پایه‌ای نامیده می‌شود (اسماعیلی و عباسی، ۱۳۹۵: ۵۷).

جدول ۳: تبدیل نقل قول رهبری در خصوص تهدیدات ناسیونالیسم به نقل مضمون

ردیف	نقل قول و استنادات	مضمون پایه‌ای
۱	«اقبال ملت‌های مسلمان در همه جای دنیای اسلام- بعضی جاها با شتاب بیشتر و بعضی جاها با شتاب کمتر- به امور معنوی و دینی، روز به روز زیاد شده است. اما موضوع وحدت، موضوع یکپارچگی، موضوع یک جهتی دنیای اسلام و موضوع «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»، که قرآن ما را به آن امر می‌کند، متأسفانه، آن‌گونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملت‌های اسلامی مایل به اتحادند. اما دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلال در این امر انجام می‌دهد؛ یعنی از طرق مختلف سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه می‌کند که بخشی از این سرمایه‌گذاری، مربوط به سابق است و مثل تقویت ناسیونالیست‌های افراطی، از قبل از انقلاب است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).	دشمن برای اخلال در اتحاد ملت‌ها از تقویت ناسیونالیست‌های افراطی حمایت می‌کند.
۲	«یکی از هدف‌های ورود استعمار به کشورهای شرقی و اسلامی، فاصله انداختن میان مسلمان‌ها بود. راه‌های گوناگونی را برای ایجاد فاصله میان برادران مسلمان در اقطار اسلامی پیمودند؛ از غلبه کردن احساسات و انگیزه‌های ناسیونالیستی، تا ایجاد و تشدید اختلافات فرقه‌یی. مسلماً نقش حکومت‌های فاسد و دست‌نشاندهی استعمار در ایجاد این فاصله، نقش بی‌نظیر و بسیار مؤثری بود. ما امروز در سرتاسر عالم، یک جمعیت حدوداً یک میلیارد نفری را تشکیل می‌دهیم که در نقاط استراتژیک و حساس و مناطقی که ثروت‌های عمده و مورد نیاز جهان امروز در آنجا ذخیره شده، پراکنده شده است. در عین حال، مسلمانان عالم در غالب کشورها- چه کشورهایی که در آن به صورت اقلیت زندگی می‌کنند، و چه کشورهایی که اکثریت قاطع و عمده‌ی بدنه‌ی ملت را تشکیل می‌دهند- از لحاظ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند.	دشمنان از سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای رواج ناسیونالیسم در جهان اسلام بهره می‌گیرند.



<p>اختلافات فرقه‌ای یکی از راه‌های فاصله انداختن میان امت اسلامی است.</p>	<p>این در حالی است که اسلام و آیات کریمه‌ی قرآن، پیروان خود را به انواع کمالات بشری، مانند علم و فضایل اخلاقی و عدالت اجتماعی و عزت و قوت و یگانگی و وحدت و تسلیم نشدن در مقابل تحمیل‌ها سوق می‌دهند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۰۴/۲۲).</p>	
<p>استکبار از طریق ناسیونالیسم سعی در تولید اختلافات قبیله‌ای، ایلی و سیاسی در جامعه اسلامی دارد.</p>	<p>«دشمن از راه‌های مختلف توطئه می‌کند؛ یکی از راه‌ها، اختلاف‌افکنی است. هرگونه اختلافی، هر جا که باشد، برخلاف نظر اسلام و قرآن است؛ چه اختلافات سیاسی باشد، چه اختلافات قبیله‌ای باشد. اختلافات ایلی و قبیله‌ای هم غلط است. همه مسلمانند، همه فرزندان این مرزوبومند، همه باهم برادرند؛ چه اختلافی؟ ما اختلافات ناسیونالیستی را در سطح دنیا نفی می‌کنیم. ما می‌گوییم ملت‌های مسلمان باید باهم باشند. در میان یک ملت، اقوام و طوایف مسلمان و تیره‌های گوناگون، چه اختلافی باهم می‌توانند داشته باشند؟ این کار شیطان است که بین ما اختلاف بیندازد» (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۳۰).</p>	<p>۳</p>
<p>طراحان ناسیونالیسم سعی در ایجاد بدبینی میان مسلمانان دارند.</p>	<p>«دشمنان اسلام و مسلمین می‌خواهند امت اسلام یکپارچه نباشد؛ چون اگر یکپارچه شد، قوی می‌شود، مقتدر می‌شود، در میدان‌های گوناگون هویت‌یابی می‌کند؛ آن وقت کار برای مستکبران جهانی سخت خواهد شد. لذا می‌خواهند جدا کنند. اختلافات مذهبی را راه می‌اندازند، اختلافات قومی را راه می‌اندازند، ناسیونالیسم‌های افراطی را در بین ملت‌ها به جریان می‌اندازند؛ این فارس است، این عرب است، این ترک است، این پاکستانی است، این کجائی است، این شیعه است، این سنی است؛ این اختلافات را می‌برجسته می‌کنند، می‌درشت می‌کنند، برای اینکه بین ما دیوار ایجاد کنند، برای اینکه دو نفر ما را به یکدیگر بدبین کنند تا ما با هم نباشیم، دست‌هامان در هم گره نشود و یک حرکت عظیم به وجود نیاید» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱).</p>	<p>۴</p>
<p>استکبار جهانی در فرآیند ناسیونالیسم سعی می‌کند از غفلت شهروندان و عدم بینش صحیح سیاسی ملت‌ها برای مقاصد خود بهره بگیرند.</p> <p>سرگرم شدن ملت‌ها به موضوعات ناسیونالیستی بسترساز غفلت از معنویت می‌شود.</p>	<p>بشر امروز، در چارچوب تمدن‌های مادی دنیا و تحت تربیت مکتب‌های حاکم بر جهان، انسانی یک‌بُعدی است. اگر سرگرم زندگی می‌شود، غالباً از معنویت غافل می‌گردد. دنیا را ببینید، لابد خوانده‌اید و شنیده‌اید که در کشورهای دور از معنویت - مثل بسیاری از جوامع اروپایی و غیر آنها که البته بین این کشورها هم کم و بیش افراد اهل معنا هستند - نظام، نظام غیر معنوی و مادی است. در آنجا، مردم سرگرم زندگی و مادیت و تأمین شکم و رفاهند و اصلاً از معنویت و ارتباط قلبی با خدا، توجه، ذکر، دعا، تضرع، گریه و نافله، یادشان نمی‌آید و در غفلت کامل - که بزرگترین بلا و آفت برای انسان است و او را از همه‌ی خیرات موجود محروم می‌کند - به سر می‌برند. وقتی مشغول شکم و اداره‌ی زندگی شخصی می‌شوند، حتی در میدان سیاست هم غافلند.</p>	<p>۵</p>



	<p>بیشتر مردمی که در کشورهای پیشرفته هستند، درک و تحلیل از مسائل سیاسی ندارند و دولت‌ها با تعصب‌های گروهی و حزبی و احیاناً قوم‌گرایی و ناسیونالیستی، آنها را به این طرف و آن طرف می‌کشاند و در میدان‌های سیاست، از آنها استفاده می‌کنند و اصولاً توده و عامه‌ی مردم، تحلیل سیاسی ندارند. اما در اسلام این‌گونه نیست. همین حالا در جامعه‌ی اسلامی ما، مردم تحلیل سیاسی دارند (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۰۹/۲۲).</p>
<p>۶ ناسیونالیسم افرازی منجر به انحراف در جهان اسلام می‌شود. تفرقه افکنی قومی و فرقه‌ای، ضربه‌ها و جراحت‌هایی به امت اسلامی وارد می‌کند.</p>	<p>«در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که... از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. گاه با حربیه‌ی اختلافات فرقه‌ای و گاه با ابزار ملی‌گرایی و قوم‌گرایی و گاه با غیر این‌ها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربیه‌ی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امت اسلامی، ضربه‌ها و جراحت‌هایی وارد می‌سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و آفریقایی و عمده کردن ناسیونالیسم‌های عربی، تورانی و فارسی، اگرچه به وسیله‌ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به وسیله‌ی خودی‌هایی که بر اثر کج‌فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، ادامه می‌یابد. کار این انحراف‌گاه، به آنجا می‌رسد که برخی از دولت‌های مسلمان، با صرف پول تلاش می‌کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملت‌ها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند، یا بعضی از عالم نمایان صریحاً فتوا به کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشان‌شان در تاریخ اسلام واضح است می‌دهند. ملت‌های مسلمان شایسته است انگیزه‌های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایدای و اذتاب او را در پشت سر آن ببینند و خیانتکاران را افشاء کنند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۰۲/۲۸).</p>
<p>۷ روشنفکران وابسته عامل اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی‌گرایی افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می‌شود» (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۰۲/۰۴).</p> <p>جریان ملی‌گرایی افراطی هستند.</p>	<p>«در این چند قرن گذشته که نگاه می‌کنیم، هیچ وقت اروپا از جنگ خالی نبوده است؛ جنگ‌ها هم عموماً جنگ‌های نژادی و ناسیونالیستی و نژادی است. می‌بینید که چه نژادهای به کلی از هم جدا و مختلفی در این قاره هستند. در نژادهای واحد هم، گاهی اوقات دعواهای شدیدی هست» (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۰۵/۱۹).</p>
<p>۸ ناسیونالیسم منجر به جنگ‌های نژادی و دعوای شدید می‌شود.</p>	<p>امروز باید مورد توجه قرار گیرد، عظمت اسلام در قالب امت اسلامی است. درخواست ما از دولت‌های اسلامی این است که نسبت به این مسئله، توجه و عنایت مخصوصی مبذول کنند. بحمدالله ملت‌ها در سال‌های اخیر به</p>
<p>۹ ملی‌گرایی منجر به جدا شدن بخش‌های امت اسلامی از یکدیگر می‌شود.</p>	



<p>ایرانی‌گری افراطی فقط برای جامعه ضرر و پیامدهای منفی دارد.</p>	<p>مسأله‌ی کلیت اسلام و امت اسلامی توجه پیدا کرده‌اند. نمی‌گوییم آحاد ملت‌ها، لکن در همه‌ی ملت‌ها در بین مسلمین یگانگی و وحدت و جماعت، محسوس است و نغمه‌ی آن شنیده می‌شود. این امید و آرزو در دل آحاد مسلمین در اقصی نقاط عالم به وجود آمده است. مهم این است که حکومت‌ها و دولت‌ها هم به آن توجه کنند. این مسأله‌ای است که هر حکومت اسلامی؛ یعنی هر حکومت حاکم بر سرزمینی که در آن مسلمان‌ها هستند، از آن سود می‌برد. یک‌وقت است که در ملت‌های مسلمان، جنبه‌های قومی و ناسیونالیستی، زبان، خون و امثال آن، تقویت می‌شود. بدیهی است که این حالت، نشانگر آغاز جدا شدن بخش‌های امت اسلامی از یکدیگر است. دیدیم که مسئله‌ی فارسی‌گری و ایرانی‌گری افراطی و برگشت به تصورات و افسانه‌های غلط مربوط به نژاد و نسب و خون، چطور در دوران رژیم گذشته در این کشور عمده شد. برای چه؟ این چه فایده‌ای برای ملت ایران داشت؟ جز ضرر هیچ اثر دیگری نداشت. مهم‌ترین ضرر، این بود که به ملت ایران در قبال دیگر ملل اسلامی، منش جدایی‌طلبانه‌ای داد و بین این ملت و سایر ملت‌ها، حالت تقار و طلبکاری ایجاد کرد. عین این مطلب را با ملت‌های عرب هم انجام دادند. عین این مطلب را با بعضی از قومیت‌های دیگر این منطقه هم انجام داده‌اند و می‌دهند. ما مخالفی نداریم که هر قومی، خصوصیات و اختصاصات کشور و ملت خود را، تحت عنوان ملیت برای خودش حفظ کند. اما تا حدی که یکپارچگی امت اسلامی خدشه‌دار نشود. این مقدم است؛ این مهم است؛ این در دنیا منشأ اثر است. مع‌الاسف در دنیا قضایایی علیه مسلمین انجام می‌گیرد و در مجامع جهانی، نسبت به آنها بی‌اعتنایی می‌شود» (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۱۲/۲۲).</p>
<p>دشمنان از طریق ناسیونالیسم مترصد نفوذ در جمهوری اسلامی هستند. جنگ داخلی و تشنج محیط داخلی کشور از تهدیدات ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم خواهان بی‌هویتی و مطیع ساختن ملت‌های اسلامی است.</p>	<p>۱۰ «در مورد مواجهه‌ی آنها با جمهوری اسلامی ایران هم وضعیت انفعال دشمنان ما از این کمتر نیست، بلکه بیشتر است. بیست و هفت سال است که همه‌ی طرف‌ها را به کار برده‌اند تا شاید بتوانند این ملت را از اسلام و آرمان‌های امام روگردان کنند؛ تا شاید بتوانند این ملت را به ارزش‌های دینی بی‌اعتقاد کنند و بتوانند جوانان این ملت را یکسره غرق در منجلاب فساد کنند. در این زمینه هر کاری توانسته‌اند، کرده‌اند. کارهای بسیار پرهزینه و خرج‌های زیادی کرده‌اند. مدت‌های مدیدی تلاش کردند تا شاید بتوانند در دولت‌هایی که در نظام جمهوری اسلامی با رأی مردم سرکار می‌آیند، نفوذ کنند؛ شاید بتوانند برخی از عناصر مؤثر در دولت‌ها را از خود</p>



<p>کارگزاران تقویت ناسیونالیسم افراطی در جهان اسام خواستار اضمحلال ارزش‌های دینی و ملی کشورهای اسلامی هستند.</p>	<p>کنند و بخرند و مقاصد و نیات خودشان را از آن راه تأمین کنند؛ همه‌ی این کارها و تلاش‌ها را کردند، خرج‌های زیادی کردند برای اینکه بتوانند با بهانه‌های ناسیونالیستی، قومی‌گری و فرقه‌گرایی میان این ملت اختلاف ایجاد کنند و جنگ داخلی راه بیندازند؛ سرمایه‌گذاری و تلاش کرده‌اند تا شاید بتوانند محیط دانشگاه‌های ما را متشنج کنند. این کارها در طول این بیست و هفت سال یکی پس از دیگری انجام گرفت؛ اما ملت بزرگ و رشید ما، جوانان هوشیار ما، مردان و زنان با معرفت و زمان‌شناس ما در تمام این موارد، مشت محکمی به دهان دشمنان ما زدند. آنها می‌خواستند این ملت پُرانگیزه‌ی باایمان پایبند به ارزش‌های دینی و شجاع و دارای ابتکار عمل را به یک ملت وابسته، بی‌هویت، ترسو، مطیع، دنباله‌رو تبدیل کنند؛ برای این کار هم هزینه‌های زیادی کردند؛ و یکی پس از دیگری شکست نصیبشان شد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).</p>
--	---

ب. تبدیل مضمون‌ها: در این مرحله، مضمون‌های استخراج شده در کلام رهبری را به مضامین فراگیر و سازنده تبدیل می‌کنیم تا از این صریق، کشف مفاهیم و مضامین کلیدی‌تر فراهم شود.

جدول ۴: تبدیل مضامین پایه‌ای تهدیدات ناسیونالیسم در کلام رهبری به مضامین فراگیر

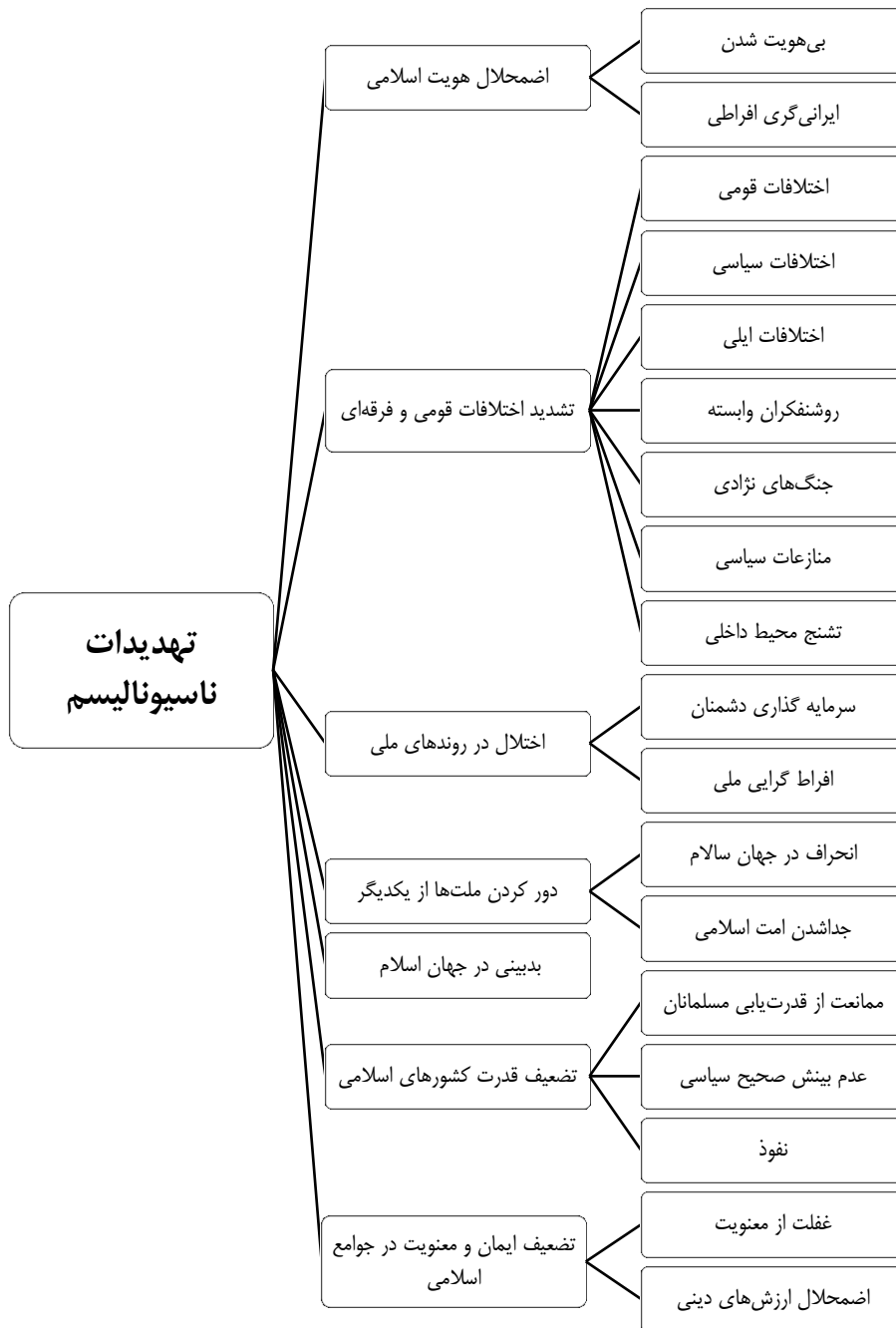
مضمون فراگیر	مضمون‌های سازمان دهنده	مضمون‌های پایه‌ای	ردیف
تهدید ناسیونالیسم افراطی در جهان اسلام	اختلال در روندهای ملی	دشمن برای اختلال در اتحاد ملت‌ها از تقویت ناسیونالیست‌های افراطی حمایت می‌کند.	۱
		دشمنان از سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای رواج ناسیونالیسم در جهان اسلام بهره می‌گیرند.	۲
		ناسیونالیسم افراطی ایرانی می‌تواند جدایی طلبی را افزایش دهد.	۳
	تشدید اختلافات قومی و فرقه‌ای	اختلافات فرقه‌ایی یکی از راه‌های فاصله انداختن میان امت اسلامی است.	۲
		استکبار از طریق ناسیونالیسم سعی در تولید اختلافات قبیله‌ای، ایلی و سیاسی در جامعه اسلامی دارد.	۳
		تفرقه افکنی قومی و فرقه‌ایی، ضربه‌ها و جراحت‌هایی به امت اسلامی وارد می‌کند.	۴
روشنفکران وابسته عامل اختلافات قومی و ملی در جریان ملی‌گرایی افراطی هستند.	۵		
ناسیونالیسم منجر به جنگ‌های نژادی و دعوای شدید	۶		



		می‌شود.	
		جنگ داخلی و تشنج محیط داخلی کشور از تهدیدات ناسیونالیسم است.	۷
تضعیف ایمان و معنویت در جوامع اسلامی		کارگزاران تقویت ناسیونالیسم افراطی در جهان اسام خواستار اضمحلال ارزش‌های دینی و ملی کشورهای اسلامی هستند.	۸
		سرگرم شدن ملت‌ها به موضوعات ناسیونالیستی بسترساز غفلت از معنویت می‌شود.	۹
اضمحلال هویت اسلامی		اختلافات ناسیونالیستی افراطی مانع شکل‌گیری هویت مقتدر در دول اسلامی می‌شوند.	۱۰
		ایرانی‌گری افراطی فقط برای جامعه ضرر و پیامدهای منفی دارد.	۱۱
		ناسیونالیسم خواهان بی‌هویتی و مطیع ساختن ملت‌های اسلامی است.	۱۲
تضعیف قدرت کشورهای اسلامی		ناسیونالیست‌های افراطی مانع قوی شدن ملت‌ها می‌شوند.	۱۳
		استکبار جهانی در فرایند ناسیونالیسم سعی می‌کند از غفلت شهروندان و عدم بینش صحیح سیاسی ملت‌ها برای مقاصد خود بهره بگیرند.	۱۴
		دشمنان از طریق ناسیونالیسم مترصد نفوذ در جمهوری اسلامی هستند.	۱۵
بدبینی در جهان اسلام		طراحان ناسیونالیسم سعی در ایجاد بدبینی میان مسلمانان دارند.	۱۱
دور کردن ملت‌ها از یکدیگر		استعمار از طریق غلیظ کردن احساسات و انگیزه‌های ناسیونالیستی سعی در فاصله انداختن میان مسلمانان دارد.	۱۲
		ناسیونالیسم افرازی منجر به انحراف در جهان اسلام می‌شود.	۱۳
		ملی‌گرایی منجر به جدا شدن بخش‌های امت اسلامی از یکدیگر می‌شود.	۱۴

پ. کشف و توصیف شبکه مضمون‌ها

با بررسی مضامین پایه‌ای و تبدیل آنها به مضامین فراگیر، هفت مضمون فراگیر در خصوص تهدیدات ناسیونالیسم در کلام آیت الله خامنه‌ای شناسایی می‌گردد که عبارتند از؛ مضمون اختلال در روندهای ملی، تشدید اختلافات قومی و فرقه‌ای، تضعیف ایمان و معنویت در جوامع اسلامی، اضمحلال هویت اسلامی، تضعیف قدرت کشورهای اسلامی، بدبینی در جهان اسلام و دور کردن ملت‌ها از یکدیگر.



نمودار ۳: هفت مضمون فراگیر در خصوص تهدیدات ناسیونالیسم در کلام آیت الله خامنه‌ای

گزاره‌های استخراج شده از تحلیل مضامین پایه‌ای و تبدیل آنها به کلیدواژه‌های اساسی در خصوص تهدیدات ناسیونالیسم از منظر آیت الله خامنه‌ای به شرح زیر می‌باشد؛

الف. اختلال در روندهای ملی

(۱) دشمن برای اختلال در اتحاد ملت‌ها از تقویت ناسیونالیست‌های افراطی حمایت می‌کند.
 (۲) دشمنان از سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای رواج ناسیونالیسم در جهان اسلام بهره می‌گیرند.

(۳) ناسیونالیسم افراطی ایرانی می‌تواند جدایی طلبی را افزایش دهد.

ب. دور کردن ملت‌ها از یکدیگر

(۱) استعمار از طریق غلیظ کردن احساسات و انگیزه‌های ناسیونالیستی سعی در فاصله انداختن میان مسلمانان دارد.

(۲) ناسیونالیسم افرازی منجر به انحراف در جهان اسلام می‌شود.

(۳) ملی‌گرایی منجر به جدا شدن بخش‌های امت اسلامی از یکدیگر می‌شود.

پ. تشدید اختلافات قومی و فرقه‌ای

(۱) اختلافات فرقه‌ای یکی از راههای فاصله انداختن میان امت اسلامی است.

(۲) استکبار از طریق ناسیونالیسم سعی در تولید اختلافات قبیله‌ای، ایلی و سیاسی در جامعه اسلامی دارد.

(۳) تفرقه افکنی قومی و فرقه‌ای، ضربه‌ها و جراحت‌هایی به امت اسلامی وارد می‌کند.

(۴) روشنفکران وابسته عامل اختلافات قومی و ملی در جریان ملی‌گرایی افراطی هستند.

(۵) ناسیونالیسم منجر به جنگ‌های نژادی و دعوای شدید می‌شود.

(۶) جنگ داخلی و تشنج محیط داخلی کشور از تهدیدات ناسیونالیسم است.

ت. بدبینی در جهان اسلام

(۱) طراحان ناسیونالیسم سعی در ایجاد بدبینی میان مسلمانان دارند.

ث. تضعیف قدرت کشورهای اسلامی

(۱) ناسیونالیست‌های افراطی مانع قوی شدن ملت‌ها می‌شوند.

(۲) استکبار جهانی در فرایند ناسیونالیسم سعی می‌کند از غفلت شهروندان و عدم بینش صحیح سیاسی ملت‌ها برای مقاصد خود بهره بگیرند.

(۳) دشمنان از طریق ناسیونالیسم مترصد نفوذ در جمهوری اسلامی هستند.

ج. اضمحلال هویت اسلامی

(۱) اختلافات ناسیونالیستی افراطی مانع شکل‌گیری هویت مقتدر در دول اسلامی می‌شوند.

(۲) ایرانی‌گری افراطی فقط برای جامعه ضرر و پیامدهای منفی دارد.

(۳) ناسیونالیسم خواهان بی‌هویتی و مطیع ساختن ملت‌های اسلامی است.

ج. تضعیف ایمان و معنویت در جوامع اسلامی

- (۱) کارگزاران تقویت ناسیونالیسم افراطی در جهان اسام خواستار اضمحلال ارزش‌های دینی و ملی کشورهای اسلامی هستند.
- (۲) سرگرم شدن ملت‌ها به موضوعات ناسیونالیستی بسترساز غفلت از معنویت می‌شود.

راهبردهای مقابله با تهدیدات ناسیونالیسم افراطی از منظر آیت الله خامنه‌ای

آیت الله خامنه‌ای علاوه بر آسیب شناسی ناسیونالیسم برای جهان اسلام، راهبردهایی را هم برای برون رفت از این تهدید و چالش ارائه داده‌اند که به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۵: راهبردهای مقابله با تهدیدات ناسیونالیسم افراطی از منظر آیت الله خامنه‌ای

ردیف	نقل قول و استنادات	مضامین پایه	مضمون فراگیر
۱	«قرآن می‌خواهد ما را از فشار این تحمیل‌ها خارج کند؛ باید به اینجا برسیم. قرآن را فرا بگیریم، با قرآن انس بگیریم، در مقابل قرآن تسلیم باشیم، برای حرکت به سمت اهداف قرآنی عزم و اراده به‌خرج بدهیم؛ آن وقت می‌توانیم. اگر یک قدم جلو برویم، خدای متعال به ما نیروی مضاعف می‌بخشد. این آن چیزی است که امروز ملت‌های مسلمان باید این را بفهمند؛ باید این را درک کنند؛ یک قدم برداریم، تجربه کنیم. ما تجربه کردیم؛ ما ملت ایران تجربه کردیم. در مقابل دشمنان اسلام و دشمنان قرآن تسلیم نشدیم، مقاومت کردیم؛ خدا به ما نیرو داد. هرچه بیشتر مقاومت کردیم، نیروی ما بیشتر شد؛ توانایی‌های ما بیشتر شد؛ امید ما به آینده بیشتر شد. این همان نسخه‌ی علاج دنیای اسلام است. یکی از چیزهایی که دشمنان اسلام در درون امت اسلامی همیشه آن را دنبال کردند، امروز هم با شدت دنبال می‌کنند، عبارت است از ایجاد اختلاف؛ جلوی این را باید گرفت. هر حنجره‌ای که در جهت اختلاف حرف بزند، بلندگوی دشمن است؛ چه خودش بداند، چه نداند. مراقب باشیم حنجره‌ی ما بلندگوی دشمنان اسلام و قرآن نشود؛ فریاد اختلاف سر ندهد. اختلاف مذهبی، اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و عجم، اختلاف کشورهای گوناگون، اختلاف قومیت‌ها و ملیت‌ها و تعصب‌های ناسیونالیستی، چیزهایی است که دارند در بین جوامع مسلمان مشتعل می‌کنند. باید مقابل اینها ایستاد. البته گفتن این حرف‌ها آسان است، عمل کردنش دشوار است؛ لکن راه عمل وجود دارد، راه باز است. عامل اصلی عبارت است از عزم و اراده‌ی ما؛ تصمیم بگیریم؛ بصیرت و عزم دو عامل	بصیرت سیاسی و استقامت	مهیار ناسیونالیسم



		<p>اصلی است. اولاً بصیرت داشته باشیم، دشمن را بشناسیم، دوست را بشناسیم. امروز در کشورهای اسلامی، کشورهایی هستند که مسئولان آن کشورها دچار خطای باصره‌اند؛ نمی‌توانند دوست را از دشمن تشخیص بدهند. دشمن را دوست خیال می‌کنند، دوست را دشمن خیال می‌کنند؛ خب، انسان ضربه می‌خورد. یک چنین کشوری، با چنین نگاهی، با چنین بینشی، دچار ضربه می‌شود؛ بصیرت لازم است. اگر بصیرت وجود داشته باشد، انسان راه را درست بشناسد، آن وقت عزم و اراده هم به خرج بدهد و نشان بدهد، راه، آسان پیموده خواهد شد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۳/۰۲).</p>
	<p>کثرت‌گرایی قومی</p>	<p>«ما اگر اقوام ایرانی را در میدان رقابت مسابقه‌آمیز به سمت خیرات بیندازیم، بسیار کار خوب و درستی انجام گرفته است. هر قومی از اقوام ایرانی - چه کُرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر - سعی کند با همان روحیه‌ی قومی، در جهت پیشرفت ملی - نه صرفاً پیشرفت قومی - گام‌های بلندتری بردارد. این خیلی چیز عالی‌ای است. آن روز در جمع نخبگان سنندج و کردستان - که در یکی از سالن‌های اینجا تشکیل شد - یکی از دوستان کُرد، یک حرف خوبی زد؛ گفت همچنانی که شهید مطهری کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام را نوشته، چقدر خوب است که یک نفری بیاید خدمات متقابل کُرد و ایران را بنویسد؛ خدمات کُردها به ایران، خدمات ایران به کُردها. این خیلی خوب است. مشخص کنید که این قوم برای آرمان‌های ملی و برای آرمان‌های اسلامی، چه گام بلندی می‌تواند بردارد. آن وقت مسابقه قرار بدهید: مسابقه‌ی بین فارس‌ها، کُردها، ترک‌ها، عرب‌ها، لُر‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها؛ این بهترین مسابقه‌ی ملی است. آن وقت معلوم می‌شود که استعدادها چقدر جوشان و خروشان است. این می‌شود یک فرصت. البته دشمن می‌تواند این را تبدیل به تهدید هم بکند که خوشبختانه همه‌تان هوشیارید. دعوای تنگ‌نظرانه و ناسیونالیسم‌های قومی محدود، به کلی با دیدگاه اسلام و با دیدگاه بلند و بازی که همه‌ی ما به آن احتیاج داریم منافات دارد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).</p>
	<p>تقویت ایمان دینی در جامعه</p>	<p>«در دنیا خیلی از کشورها هستند که بالاخره آن احساسات ناسیونالیستی و علائق ملی، مردم را دنبال مدیران راه می‌اندازد؛ اما بین احساس ناسیونالیستی و ایمان عمیق مذهبی، فرق است» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۶/۰۱).</p>
		<p>ناسیونالیسم مثبت باید مبتنی بر احساس دینی باشد؛ به این معنا که همواره پروردگار عالم را حاضر و ناظر خویش بداند و همین موضوع،</p>



		<p>عملکرد ملت را استحکام می‌بخشد. پس باید توجه داشت که «بعضی‌ها از میهن‌دوستی، از احساسات ناسیونالیستی، یا احساسات تشکیلاتی و سازمانی استفاده می‌کنند؛ لیکن واضح شده است که همه‌ی این‌ها در جاهایی لنگ می‌مانند. آن احساسی که همه جا بُرایی خودش را دارد، احساس دینی و احساس حضور در مقابل پروردگار عالم است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۰۲).</p>
		<p>۵ «دستاویزهای فکری و عملی از قومیت و ناسیونالیسم تا چپ‌گرایی مارکسیستی و امثال آن از بوته‌ی آزمایش، ناموفق بیرون می‌آیند. ایمان دینی - که ملت به آن سخت پایبند است - به همت مجاهدان صبور و مقاوم به تدریج نقطه‌های روشنی در افق بسته و غم‌آلود پدید می‌آورد و امیدهایی می‌آفریند؛ و در این هنگام، ناگهان خورشید انقلاب اسلامی از مشرق طلوع می‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۰۱/۲۵).</p>
		<p>۶ «اتحاد و یگانگی و وحدت کلمه، شرط اصلی است؛ چه از لحاظ ملیتی یعنی برداشتن این ناسیونالیسم‌ها و ملت‌گرایی‌ها، عرب و عجم و ترک و فارس و بقیه‌ی این قومیت‌ها و ملیت‌ها در سطح جهان اسلام چه از لحاظ مذهبی، که شیعه و سنی و فرق گوناگون اهل تسنن و شیعه، باید اختلافات را کنار بگذارند و با هماهنگی و با تکیه بر نقاط مشترک، آن خواست معنوی را تأمین کنند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۲/۲۲).</p>
	<p>وحدت و یکپارچگی امت اسلامی</p>	<p>۷ «امروز ملت اسلامی بزرگ ما به این ذخیره نیازمند است. از این ذخیره، دو چیز باید مورد استفاده‌ی مسلمانان قرار گیرد: اول، وحدت و نزدیکی مسلمین است و دوم، توجه به معنویت در دنیای اسلام است. در دنیای اسلام، هر دو عامل تکامل بخش و پیش‌برنده، مورد خدشه قرار گرفته است. امروز وحدت مسلمانان با ایجاد تفرقه‌های مذهبی، فرقه‌ای، نژادی، ناسیونالیسم‌های گوناگون، قومیت‌های مختلف و شعارهای انحرافی، مخدوش شده است. مسلمانان بر فراز همه‌ی شعارهای خود چه شعار قومیت، چه شعار مذاهب اختصاصی خودشان، چه شعارهای مربوط به سیاست‌های خودشان باید شعار وحدت و یکپارچگی امت اسلامی را قرار دهند. امروز برای آنها یکی از کارآمدترین شعارها این است. می‌دانیم که استعمار و استکبار و دست قدرت‌های بیگانه همیشه سعی کرده است با انواع و اقسام حیل، این وحدت را درهم بشکند؛ که یکی از خبیث‌ترین حيله‌ها، حيله‌ی غصب سرزمین فلسطین و کاشتن شجره‌ی خبیثه‌ی</p>



		<p>صهیونیسم در سرزمین اسلامی فلسطین یعنی در قلب ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی بوده است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۱۰/۰۷).</p>
	<p>بازگشت به اسلام و اعاده هویت اسلامی</p>	<p>۸ «محور، اسلام است. ما باید برای اسلام حرکت کنیم. امروز ایران، مرکز اساسی اسلام است. ایران، ایران اسلامی است. مسلمانان دنیا از هر ملیت و قومیت، امروز چشم به ایران دارند. ناسیونالیست‌ها یکدیگر را دفع می‌کنند؛ ولی در ایران ما و در این سرزمین پاک و مقدس، این چیست که ملت‌های دیگر را به خودش جذب می‌کند؟ این، ایمان و اسلام و مبارزه‌ی در راه هدف‌های بزرگ اسلامی است که بزرگترین آن، ستیزه‌گری با ظلم و ستم و تلاش در راه آزادی و عدالت است؛ هیچ چیز دیگری نیست. ملت‌ها مجذوب این چیزهایند. سرباز این مرزوبوم، باید به اسلام پایبند باشد و از بن دندان و از اعماق دل، به آن معتقد و عامل باشد (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۲/۲۲).</p>
		<p>۹ «امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه‌ی عالم دارد آغاز می‌شود. نشانه‌ی بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه‌ی به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد، نه لیبرال دموکراسی غرب جاذبه دارد- می‌بینید در مهد لیبرال دموکراسی غرب، در آمریکا، در اروپا چه خبر است؛ اعتراف می‌کنند به شکست- نه ناسیونالیست‌های سکولار جاذبه‌ای دارند. امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب وحی؛ که خدای متعال وعده داده است که مکتب الهی و وحی الهی و اسلام عزیز می‌تواند بشر را سعادت‌مند کند. این یک پدیده‌ی بسیار مبارک و بسیار مهم و پرمعنائی است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰).</p>
		<p>۱۰ «حساس‌ترین بخش‌های جهان اسلام را نهضت بازگشت به اسلام و اعاده عزت و هویت و رهائی فراگرفته است؛ به این معنا که ملت‌های عرب، دیکتاتورهایشان را نمی‌خواهند؛ سیطره دست‌نشانگان و طواغیت را بر خود، دیگر تاب نمی‌آورند؛ از فقر و عقب‌ماندگی و تحقیر و وابستگی به ستوه آمده‌اند؛ سکولاریزم را در سایه‌ی سوسیالیزم و لیبرالیزم و ناسیونالیزم قومی آزمودند و همگی را بن‌بست یافتند؛ و البته ملت‌های عرب به دنبال افراطی‌گری،</p>



		<p>خسونت مذهبی، بازگشت به عقب، تعصبات فرقه‌ای و فشری‌گری با برچسب اسلامگرائی نیز نیستند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).</p>
<p>تقویت روحیه عزت، خودباوری و قدرتمندی در جامعه</p>		<p>۱۱ «قدرت‌های خارجی - مدتی انگلیسی‌ها و مدتی هم روس‌ها و دیگر دولت‌های اروپایی، و پس از آن آمریکایی‌ها- ملت ما را تحقیر کرده بودند. ملت ما هم باور کرده بود که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ را ندارد، سازندگی از او بر نمی‌آید، ابتکار از او ساخته نیست و دیگران باید بر او آقایی کنند و به او زور بگویند! بنابراین، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ما کشته بودند؛ ولی امام عزیز ما، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ایران بیدار و زنده کردند. در همان حال که ملت ما از احساسات و نخوت‌های بی‌جای ناسیونالیستی-که استکبار عامل آن، و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود- میرا هستند، اما احساس عزت و قدرت می‌کنند. امروز ملت ما از دست به دست هم دادن و توطئه‌ی مشترک شرق و غرب و ارتجاع نمی‌ترسند و احساس ضعف هم نمی‌کنند. جوان‌های ما احساس می‌کنند که خودشان می‌توانند کشورشان را بسازند. مردم ما احساس می‌کنند که قدرت و توان آن را دارند که در مقابل تحمیل‌ها و زورگویی‌های شرق و غرب بایستند. این روح عزت و خودباوری و غرور ملی و افتخارات حقیقی و اصیل را امام (ره) در ملت ما زنده کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).</p>
		<p>۱۲ «وقتی که دین نیست، بنای دنیا، بنای استکباری است. دین، علاج این نابسامانی‌هاست. ملت‌های مسلمان باید امروز بزرگترین وظیفه‌ی خودشان را بازگشت به اسلام و حاکمیت آن بدانند. این، عزیزترین و فوری‌ترین و بزرگترین و مؤثرترین هدفی است که امروز ملت‌های مسلمان می‌توانند دنبال کنند؛ علاجه‌ی هم جز این نیست. ملت‌های دیگر، آن نظام ارزشی‌ای را که برطبق آن عمل بکنند، ندارند. بنابراین، در دام ناسیونالیسم‌های افراطی جاهلانیه‌ی کور خواهند افتاد، که دیدیم دیگر. دیدید که ناسیونالیسم، بر سر خانواده‌ی بشری چه آورده است. ممکن است به فرض، ناسیونالیسم برای یک ملت هم چند صباحی احساس حرارت و غرور و شور و نشاطی به وجود بیاورد؛ اما خانواده‌ی بشری را از بین می‌برد. در همین منطقه سعی کردند بین برادران مسلمان، ناسیونالیسم ایرانی و عربی و ترکی به وجود بیاورند و در داخل کشورها نیز، به ناسیونالیسم‌های فرعی و جورواجور دامن بزنند و این‌ها را از هم جدا کنند. این، نقشه‌ی استعمار بود. بحمدالله انقلاب اسلامی، لاقلاً در بخشی از این منطقه، این مسائل را علاج کرد. اگر یک نظام ارزشی</p>

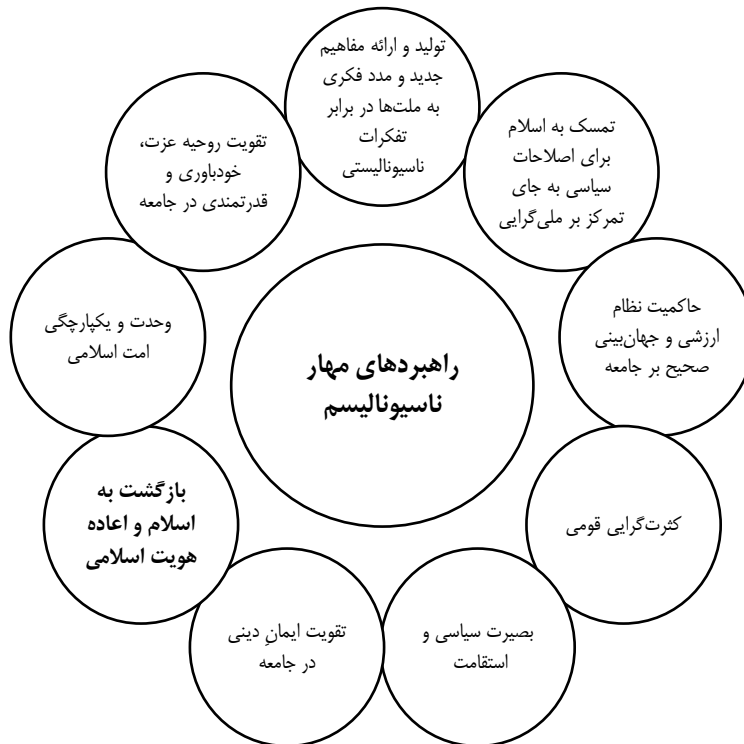


		<p>و یک جهان‌بینی صحیح، بر ملتی حاکم نباشد، به دام این‌گونه تفکرات خواهد افتاد. متأسفانه ادیان دیگر هم آن نظام ارزشی را که با آن بشود یک جامعه را اداره کرد، ندارند؛ مدعی هم نیستند. پایه‌های تشکیل یک نظام اجتماعی، در ادیانی که امروز در دست و بال مردم هست، وجود ندارد البته در اصول و شکل‌های صحیحش حتماً بوده است اما مسلمین، این اصول را دارند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴).</p>	
<p>تمسک به اسلام برای اصلاحات سیاسی به جای تمرکز بر ملی‌گرایی</p>		<p>دیدند در دنیای اسلام، هر گروهی که به دنبال اصلاح محیط، جامعه و کشور خود است، به اسلام متمسک می‌شود. قبل از پیروزی اسلام در ایران، در کشورهای مختلف، گروه‌هایی که می‌خواستند اصلاح‌طلبی را شعار خود بکنند، به مارکسیسم یا به ناسیونالیسم‌های تند متمسک می‌شدند؛ ولی امروز در کشورهای اسلامی که نگاه کنید، روشن‌فکران، جوانان، روحانیون، دانشگاهیان و گروه‌های مختلف مردم، اگر داعیه‌ی اصلاح داشته باشند، متمسک به اسلام می‌شوند. این توانایی و ظرفیت بالای اسلام است. این‌ها را دشمن می‌بیند؛ لذا حساس شده است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۰۵/۲۴).</p>	<p>۱۳</p>
<p>تولید و ارائه مفاهیم جدید و مدد فکری به ملت‌ها در برابر تفکرات ناسیونالیستی</p>		<p>«انقلاب مانند هر حرکت اجتماعی عظیم ماندگار، احتیاج به سوخت دارد؛ این ماشین بدون سوخت متوقف می‌شود؛ سوخت فکری. روز به روز با توجه به تحولات جهانی، با توجه به حوادث جدید، سؤال‌ها و ابهام‌های تازه‌ای در ادامه‌ی این راه مطرح است. از طرفی، قبل از آنکه نوبت به عمل برسد، نوبت فکر و پردازش تفکر راهنماست و این، خاص‌آشنایان به مبانی اسلام است؛ و بدیهی است که دشمنان، همین نقطه را هم مثل بقیه‌ی نقاط حساس هدف می‌گیرند. بنابراین، فضایی برجسته‌ی حوزه، نباید گوش‌شان بدهکار تلاش دشمن باشد و باید بدانند که فکر جدید، مفاهیم جدید و راه‌های نو، مدد فکری برای پیشرفت این حرکت است. امروز ما نسبت به اوایل انقلاب در باره‌ی مبانی نظام اسلامی، به برکت تلاش دین‌شناسان و عالمان -چه در دانشگاه، چه در حوزه- روشن‌بینی‌های بیشتر و مفاهیم تازه‌تری را در اختیار داریم، که این پشتیبانی فکری باید ادامه پیدا کند. امروز چشم دنیا به شماست؛ حالیا! چشم جهانی نگران من و توست. یک روز تفکرات چپ حاکم بود؛ مارکسیسم و سوسیالیسم در دنیا برای جوان‌ها جاذبه داشت؛ اما امروز نیست. یک روز تفکرات ناسیونالیستی و ملت‌گرایی‌های افراطی در دنیا دل بعضی را می‌برد؛ اما امروز این‌ها کهنه شده است.</p>	<p>۱۴</p>



		<p>یک روز لیبرالیسم غربی و منطق دولت‌های سرمایه‌داری دم از گسترش جهانی می‌زد و می‌گفت همه‌ی دنیا باید ما را بپذیرند؛ اما امروز لیبرال دموکراسی غرب خودش را با کارهای آمریکا مفتضح کرده است؛ اروپا هم همین‌طور است و آنها هم شنیدن حرفی را که برخلاف منافع ملی‌شان باشد، تحمل نمی‌کنند؛ روسری دختران مسلمان را نمی‌توانند تحمل کنند؛ امنیت شهروندان‌شان را به جرم مسلمان بودن، به جرم رنگین‌پوست بودن، نمی‌توانند تأمین کنند؛ این لیبرال دموکراسی غرب است. همین‌هایی که ادعا می‌کردند همه‌ی دنیا مال ماست؛ ماییم که باید فکر اساسی و ایدئولوژی جهانی را به مردم دنیا بدهیم (!) این رفتار خودشان است در اروپا و آمریکا؛ این‌ها دیگر حرفی برای گفتن ندارند» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹).</p>
--	--	--

الگوی استخراج شده از مضامین پایه و فراگیر مربوط به مهار تهدیدات ناسیونالیسم در کلام و اندیشه امام خامنه‌ای به شرح زیر است؛



نمودار ۴: راهبردهای مهار ناسیونالیسم

نتیجه گیری

تلاش گردید تا اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی در خصوص ناسیونالیسم مورد بررسی قرار بگیرد و در این مسیر، برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که آیت الله خامنه‌ای دو رویکرد و موضع نسبت به ناسیونالیسم اتخاذ نموده‌اند؛ ایشان ناسیونالیسمی که مبتنی بر نژادپرستی، قومیت‌گرایی، تعلقات زبانی و سایر مؤلفه‌های غیر اعتقادی باشد را در دسته ناسیونالیسم منفی قرار می‌دهند؛ زیرا دستور این گرایش افراطی به ملی‌گرایی را ویرانی دولت-ملت‌ها می‌دانند و به جز خسران و زیان برای ملت‌ها چیزی به ارمغان نخواهد آورد. در عین حال، ناسیونالیسمی که مبتنی بر احساسات دینی و علقه‌های ایمان حقیقی باشد را با عنوان ناسیونالیسم مثبت معرفی می‌نمایند که حتی می‌تواند برای استمرار و پایداری نظام سیاسی مناسب باشد؛ البته به شرطی که در تقابل با انترناسیونالیسم و آرمان امت واحده قرار نگیرد. آیت الله خامنه‌ای، ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی را به معنای؛ غلیظ کردن احساسات، ملت‌خواهی، تعصب‌های گروهی و حزبی؛ قوم‌گرایی، علائق و احساسات ملی، و حس وطن‌پرستی معنا می‌کنند و تأکید دارند که هر ملتی می‌تواند دارای روحیه ناسیونالیستی باشد اما گرایش‌های افراطی ناسیونالیستی نظیر ناسیونالیست افراطی ایرانی‌گری، ناسیونالیست افراطی ترکی، ناسیونالیست افراطی عربی و... تنها برای رشد جامعه مفید نیستند بلکه افتراق و اختناق دستاورد چنین رویکردهای غیرعقلانی‌ایی می‌باشد. ایشان برخی از تهدیدات ناسیونالیسم افراطی را به ملت‌های اسلامی معرفی می‌نمایند که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشند؛ اختلال در روندهای ملی، دور کردن ملت‌ها از یکدیگر، تشدید اختلافات قومی و فرقه‌ای، بدبینی در جهان اسلام، تضعیف قدرت کشورهای اسلامی، اضمحلال هویت اسلامی، تضعیف ایمان و معنویت در جوامع اسلامی و غیره. مقام معظم رهبری صرفاً در آسیب شناسی متوقف نشدند بلکه راهبردهایی برای برون رفت از این چالش و تهدید برای ملت‌ها و کشورهای اسلامی ارائه داده‌اند. کنکاش در اندیشه ایشان نشان می‌دهد که اموری نظیر؛ تولید و ارائه مفاهیم جدید و مدد فکری به ملت‌ها در برابر تفکرات ناسیونالیستی، تمسک به اسلام برای اصلاحات سیاسی به جای تمرکز بر ملی‌گرایی، حاکمیت نظام ارزشی و جهان‌بینی صحیح بر جامعه، کثرت‌گرایی قومی، بصیرت سیاسی و استقامت، تقویت ایمان دینی در جامعه، بازگشت به اسلام و اعاده هویت اسلامی، وحدت و یکپارچگی امت اسلامی، تقویت روحیه عزت، خودباوری و قدرتمندی در جامعه منجر به برون رفت از چالش‌ها و پیامدهای منفی ملی‌گرایی می‌شوند.

منابع

— احمدی، حمید؛ راشد محصل، محمد تقی و بیات، کاوه (۱۳۹۵)، «هویت ایرانی در گستره تاریخ اجتماعی ایران»، فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی، پاییز، شماره ۱۱.

- اسماعیلی، محمدمهدی و عباسی، میثم (۱۳۹۵)، «عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دوره جدید، سال دوم، پائیز و زمستان، شماره ۲.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)، *هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی تحول تاریخی هویت ایرانی*، تهران: نشر نی.
- اوزکریمی، اوموت (۱۳۸۴)، «معرفی و نقد کتاب نظریه‌های ناسیونالیسم»، ناقد مقصود رنجبر، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، زمستان، شماره ۲۴.
- بلبیار، اتین (۱۳۹۶)، *نژادپرستی و ناسیونالیسم*، ترجمه هیمن برین، نشر پروبلماتیکا.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دانشگاه افسری امام علی (ع) در تاریخ ۱۳۷۰/۰۸/۰۸. سخنرانی‌ها قابل دسترسی در: <http://www.ghadeer.org>
- بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام در روز عید سعید فطر در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.
- بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۰۷.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در تاریخ ۱۳۷۴/۰۵/۲۴.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم اراک در تاریخ ۱۳۷۹/۰۸/۲۴.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد در تاریخ ۱۳۷۰/۰۵/۳۰.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جلسه هشتم تفسیر سوره بقره در تاریخ ۱۳۷۰/۰۷/۲۴.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی در تاریخ ۱۳۷۵/۰۶/۲۷.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در تاریخ (۱۳۷۱/۰۵/۱۹).
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در تاریخ ۱۳۶۹/۰۱/۲۶.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با روحانیون و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان مازندران در تاریخ ۱۳۶۹/۰۲/۲۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت وزیران، در آستانه‌ی هفته‌ی دولت در تاریخ ۱۳۶۹/۰۶/۰۱.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان سازمان عقیدتی، سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۰۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی، به مناسبت عید سعید مبعث در تاریخ ۱۳۶۹/۱۱/۲۴.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۸/۰۹/۲۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۰.

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در سی و دومین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار عمومی مردم قم در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۱.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۸۹/۰۷/۱۷.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام در روز عید فطر در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۲۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در مراسم چهلمین روز ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۶۸/۰۴/۲۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه نیروی دریایی نوشهر در تاریخ ۱۳۶۹/۰۲/۲۲.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم استان سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین در تاریخ ۱۳۸۵/۰۱/۲۵.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان در تاریخ ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.
- پیام به حجاج بیت‌الله الحرام در تاریخ ۱۳۷۲/۰۲/۲۸.
- پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج در تاریخ ۱۳۷۵/۰۲/۰۴.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۷)، «درآمدی بر ناسیونالیسم در ایران»، فصلنامه خط اول، سال دوم، تابستان، شماره ۵.
- جلالی‌پور، حمیدرضا و نظرعباسی، صدیقه (۱۳۹۱)، «ناسیونالیسم قومی و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، بهار، شماره ۱.
- حشمت زاده، محمدباقر؛ نازاریان، سیدمحمدوهاب و حیدری دلفارد، سولماز (۱۳۹۳)، «ناسیونالیسم از منظر شهروندی در عصر پهلوی اول با تأکید بر قومیت‌ها»، نشریه جستارهای سیاسی معاصر، بهار، شماره ۱۱.
- خانیکی، هادی و اقدسی، وحید (۱۳۹۵)، «ناسیونالیسم ایرانی و نوسازی سیاسی در مطبوعات ایران تحلیل گفتمان مقاله‌های ملک الشعرا بهار در روزنامه نوبهار»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، زمستان، شماره ۴۵.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۶۵)، *ناسیونالیسم و انقلاب*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی.
- زبیده، سامی (۱۳۹۳)، *دین اسلام و ناسیونالیسم: تناقض‌ها و تناقض‌ها*، ترجمه فرهاد قربان زاده، پروبلماتیکا.
- سمحمدی، نیما و حاضری، علی محمد (۱۳۹۵)، «تحلیل فرم و محتوای اندیشه روحانیون معاصر درخصوص نسبت دین و سیاست با تأکید بر نظریه زیمل»، پژوهشنامه علوم سیاسی، پاییز، شماره ۴۴.

- سیمبر، رضا و ستوده، علی اصغر (۱۳۹۳)، «چالش های هویتی فراروی هویت دین محور انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، بهار، شماره ۳۶.
- شهرام نیا، امیرمسعود و نظیفی، نازنین (۱۳۹۲)، «تعامل و تقابل ملی گرایی و اسلام گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، دوره دوم، تابستان، شماره ۵.
- شیخ شعاعی، محمدعلی (۱۳۸۶)، *ناسیونالیسم از دیدگاه اسلام*، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- صمیمی، محمد (۱۳۹۵)، «قومیت و قوم گرایی در ایران»، فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی، بهار، شماره ۹.
- طالبی، ابوتراب و یاور عیوضی (۱۳۹۲)، «هویت طلبی قومی در فضای مجازی»، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پاییز، شماره ۱۶.
- عاملی تهرانی، محمدرضا (۱۳۷۷)، *جهان به ناسیونالیسم آگاه می گراید*، تهران، انتشارات حزب پان ایرانیست.
- علویان، مرتضی و حسین دوست محمدی (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی دو نظریه ولایت فقیه و دموکراسی متعهد در شکل گیری گفتمان انقلاب اسلامی»، دو فصلنامه علوم اجتماعی، سال سیزدهم، پاییز و زمستان، شماره ۲.
- علیزاده، محمدعلی و علی محمد طرفداری (۱۳۸۹)، «تاثیر گفتمان ملی گرایی بر تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی اول»، پژوهشنامه تاریخ، تابستان، شماره ۱۹.
- غروی، محسن و شاکر قوامیان (۱۳۸۰)، «ملی گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام»، ماهنامه معرفت، بهمن، شماره ۵۰.
- غنی نژاد، موسی (۱۳۸۶)، «چرا مشروطه منحرف شد»، ماهنامه بازتاب اندیشه، بهمن، شماره ۹۴.
- فاضلی، حبیب اله و نوذر خلیل طهماسبی (۱۳۹۵)، «ناسیونالیسم و مدرنیسم: مقایسه دیدگاه آنتونی اسمیت؛ رویکرد جامعه شناسی تاریخی و مکتب نوگرا»، فصلنامه سیاست، پاییز، شماره ۳۹.
- فولادوند، عزت الله (۱۳۷۷)، *خرد در سیاست*، تهران، انتشارات طرح نو.
- قادری، طاهره و سیدآیت الله میرزایی (۱۳۹۰)، «ناسیونالیسم ایرانی در سده نوزدهم»، دو فصلنامه مطالعات جامعه شناختی، پاییز و زمستان، شماره ۳۹.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۲)، «ناسیونالیسم و اسلام گرایی در تعاملات فراملی ایران معاصر»، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال چهارم، پاییز، شماره ۳.
- گراون، دیوید مک (۱۳۸۴)، «ظهور و سقوط ناسیونالیسم»، ترجمه محی الدین شریف زاده، فصلنامه زیربار، بهار و تابستان، شماره ۵۷.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)، «کارکرد هویت بخش مذهب شیعه در دوره صفویه»، فصلنامه مطالعات ملی، زمستان، شماره ۳۶.
- ماتیل، الکساندر (۱۳۸۳)، *دایره المعارف ناسیونالیسم: مفاهیم اساسی*، جلد اول، ترجمه کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمودی، سیدعلی (۱۳۹۴)، «ناسیونالیسم و اسلام در کشاکش سازگاری و تناقض تحلیل و ارزیابی رابطه ناسیونالیسم و اسلام در آراء علی شریعتی»، مجله جامعه شناسی ایران، پاییز، شماره ۵۰.

- محمودی، جهانگیر (۱۳۸۵)، «ناسیونالیسم ایرانی سرشار از الفت و مهربانی»، ماهنامه ایران مهر، آبان و آذر، شماره ۲۹.
- مردیها، مرتضی (۱۳۸۳)، «تناقض نمای نظری ناسیونالیسم»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، بهار، شماره ۶۳.
- مشایخی، مهرداد (۱۳۸۶)، «نهال ملی گرایی در خاک چپ»، *ماهنامه بازتاب اندیشه*، شهریور و مهر، شماره ۹۰.
- مقدم فر، گلناز (۱۳۸۸)، «ناسیونالیسم مدنی در برابر ناسیونالیسم قومی؛ ابتدای ناسیونالیسم قومی بر قوم ستیزی و جهل فرهنگی»، *روزنامه رسالت*، شانزدهم تیرماه، شماره ۶۷۴۷.
- میرزایی، سید آیت الله (۱۳۹۵)، «ناسیونالیسم و مدرنیته سیاسی در مشروطه ایرانی»، *دوفصلنامه جامعه شناسی تاریخی*، سال هشتم، پاییز و زمستان، شماره ۲.
- نادری، مهدی (۱۳۹۶)، «دلالت های نظری و عملی انگاره جاهلیت مدرن در گفتمان انقلاب اسلامی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، بهار، شماره ۲۲.
- وطن دوست، غلامرضا؛ سیمین فصیحی و زهرا حامدی (۱۳۸۸)، «نمودهای ناسیونالیسم در کتاب های درسی تاریخ دوره پهلوی اول»، *مجله تاریخ نگری و تاریخ نگاری*، سال نوزدهم، بهار، شماره ۱.
- ویسی، زاهد (۱۳۸۳)، «رهیافتی به اندیشه ملی-مذهبی»، *فصلنامه کتاب نقد*، بهار، شماره ۳۰.
- هاشمیان فر، سیدعلی و دیگران (۱۳۹۱)، «واکاوی مفهومی دلبستگی ملی»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره اول، زمستان، شماره ۳.
- هیئت، جواد (۱۳۸۱)، «ناسیونالیسم و باستان گرایی در ایران»، *وارلیق*، پاییز، شماره ۱۲۶.
- Benn, Stanley I. (1967), "Nationalism", *Encyclopedia of Philosophy*, ed. Paul Edwards, vol. 5, New York, Macmillan.
- Zubaida, Sami (2004), "Islam and nationalism: continuities and contradictions", *Nations and Nationalism*, October, Volume 10, Issue 4.